

# بررسی و نقد تصحیح «معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين»

۲۹۵-۲۶۱



چکیده: کتاب ارزشمند نهج المسترشدين فی اصول الدين از جمله تألیفات کم حجم و مختصر علامه حلی (م ۷۲۶ ه.ق) است که به تعبیر خود او، جهت استفادة جویندگان یقین نگاشته شده است. به سبب اختصار و جامعیت این کتاب نسبت به مسائل کلامی، شاگردان و متکلمان عصر علامه و نیز عالمان امامی دوره‌های بعدی، اهتمام ویژه‌ای به شرح و تفسیر این اثر کلامی موجد داشته‌اند. کتاب معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين نوشته فرزند علامه حلی، محمد بن حسن معروف به فخرالمحققین (م ۷۷۱ ه.ق) یکی از این شروح است که با تحقیق آقای طاهر السلامی از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية وابسته به عتبة مقدسه عباسیه در سال ۱۴۳۶ ه.ق در شمارگان هزار نسخه منتشر شده است

در نوشتار حاضر، پس از اشاره به مطالبی درباره کتاب نهج المسترشدين و شروح آن به ویژه معراج الیقین، به ارزیابی و نقد تصحیح یاد شده از این اثر می‌پردازیم.

کلیدواژه: نقد و بررسی، نسخه خطی، نهج المسترشدين، معراج الیقین

الحلی، محمد بن الحسن؛ معراج الیقین فی شرح نهج  
المسترشدين؛ تحقیق: طاهر السلامی؛ کربلا، العتبة  
العباسية المقدسة، ۱۴۳۶ ق.

## Review of the Edited Version of “M’irāj al-Yaqīn fī Sharh Nahj al-Mustarshidīn”

Ali Khani / Mustafa Ahmadi

**Abstract:** The valuable book of Nahj al-Mustarshidīn fī ‘Uṣūl al-Dīn is one of the small and concise works of ‘Allāmah Ḥillī (d. 726 AH) which, according to him, was written for the use of seekers of certainty. Due to the brevity and comprehensiveness of this book on theological issues, students of ‘Allāmah and the theologians living in his era as well as Imami scholars of later periods have paid special attention to the description and interpretation of this theological work. The book M’irāj al-Yaqīn fī Sharh Nahj al-Mustarshidīn written by the son of Allāmah Ḥillī, Muhammad ibn Hassan, known as Fakhr al-Muhaqiqīn (d. 771 AH), is one of these commentaries, which was researched by Mr. Tāhir al-Salami. The book was published in 1436 AH in the circulation of 1000 copies, by the Islamic Center for Strategic Studies, which belongs to the Holy Institute of Abbāsiyeh .

In the present article, after referring to the contents of the book of Nahj al-Mustarshidīn and its commentaries, especially the M’irāj al-Yaqīn, we will evaluate the mentioned edited version of this work.

**Keywords:** Review, Manuscript, Nahj al-Mustarshidīn

مراجعة ونقد تصحيح كتاب (معراج اليقين في شرح نهج المسترشدين)  
علي خاني / مصطفى أحمددي

الخلاصة: أحد الكتب التي ألفها العلامة الحلبي (م ٧٢٦ هـ) والذي إمتاز بصغر حجمه واختصاره هو كتابه القيم نهج المسترشدين في أصول الدين الذي قال عنه إنه ألفه كي يستفيد منه الباحثون عن اليقين.

وبسبب اختصار هذا الكتاب وجامعيته في المسائل الكلامية فقد حظي باهتمام خاص من الطلاب والمتكلمين في عصر العلامة ومن علماء الإمامية في العصور التالية أيضاً الذين بذلوا جهوداً متميزة في شرح وتفسير هذا الأثر الكلامي الموجز.

وكتاب معراج اليقين في شرح نهج المسترشدين الذي ألفه ابن العلامة الحلبي محمد بن الحسن المعروف بفخر المحققين (م ٧٧١ هـ) هو أحد هذه الشروح، وقد قام بتحقيقه طاهر السلامي، وصدر عن انتشارات المركز الإسلامي للدراسات الاستراتيجية التابع للعتبة العباسية المقدسة في سنة ١٤٣٦ الهجرية بطبعة تعداد نسخها ألف نسخة.

وبعد إشارة المقال الحالي إلى بعض المطالب حول كتاب نهج المسترشدين وشروحه المختلفة وخصوصاً معراج اليقين، يقدم الكاتب تقييمه لهذا التصحيح وملاحظاته النقدية عليه.

المفردات الأساسية: النقد والمراجعة، النسخة الخطية، نهج المسترشدين.

کتاب ارزشمند نهج المسترشدين فی اصول الدين از جمله تألیفات کم حجم و مختصر علامه حلی (م ۷۲۶ق) است که به تعبیر خود او برای استفاده جویندگان یقین نگاشته شده است.<sup>۱</sup> به سبب اختصار و جامعیت این کتاب نسبت به مسائل کلامی، شاگردان و متکلمان عصر علامه و نیز عالمان امامی دوره های بعدی اهتمام ویژه ای به شرح و تفسیر این اثر کلامی موجز داشته اند. کتاب معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين نوشته فرزند علامه حلی محمد بن حسن معروف به فخرالمحققین (م ۷۷۱ق) یکی از این شروح است که با تحقیق آقای طاهر السلامی از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية وابسته به عتبه مقدسه عباسیه در سال ۱۴۳۶ق در شمارگان هزار نسخه منتشر شده است. (تصویر شماره ۱)

در نوشتار حاضر پس از اشاره به مطالبی درباره کتاب نهج المسترشدين و شروح آن به ویژه معراج الیقین به ارزیابی و نقد تصحیح یادشده از این اثر می پردازیم.

### ۱. معرفی کتاب نهج المسترشدين فی اصول الدين و شروح آن

نهج المسترشدين فی اصول الدين عنوان کتابی است که علامه حلی آن را به درخواست فرزندش فخرالمحققین نگاشته است. اتمام تألیف این اثر ۲۲ ربیع الأول سال ۶۹۹ق بوده است. این تاریخ بر اساس گزارشی است که در انتهای یکی از نسخه های نهج المسترشدين آمده<sup>۲</sup> و مرحوم آقابزرگ طهرانی آن را نقل کرده است.<sup>۳</sup> این کتاب در سال ۱۳۰۳ق در بمبئی هند همراه با ارشاد الطالبین به صورت چاپ سنگی منتشر شده است.<sup>۴</sup> طبع جدیدی نیز به تحقیق سید احمد حسینی و هادی یوسفی بر اساس دو نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۴/۳ (تاریخ کتابت: ۷۰۵ق) و شماره ۱۴۶۷/۶ (تاریخ کتابت: ۱۱۰۶ق) از سوی مجمع ذخایر اسلامی قم به چاپ رسیده است. (تصویر شماره ۲)

علامه حلی نهج المسترشدين را در سیزده فصل به ترتیب زیر سامان داده است:

۱. فی تقسیم المعلومات ۲. فی اقسام الممكنات ۳. فی احکام المعلومات ۴. فی احکام الموجودات ۵. فی التوحید ۶. فی احکام صفات الواجب ۷. فی ما يستحيل عليه تعالی ۸. فی العدل ۹. فی فروع العدل ۱۰. فی النبوة ۱۱. فی الامامة ۱۲. فی الامر بالمعروف والنهي عن المنکر ۱۳. فی المعاد.

۱. الحلی، الحسن بن یوسف، نهج المسترشدين فی اصول الدين، ص ۱۷: «فهذا کتاب نهج المسترشدين فی اصول الدين لخصت فيه مبادئ القواعد الکلامية و رؤوس المطالب الاصولية نفع الله تعالی به طالب الیقین».

۲. بنگرید: نسخه شماره ۶۸۹/۱ مرکز احیاء میراث اسلامی.

۳. الطهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۲۴.

۴. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۳، ص ۹۸۷.

وی مطالب هر فصل را با شیوه‌ای موجز و مختصر و به دور از استدلال‌های مفصل کلامی نوشته و در هر مسئله تنها به ذکر بعضی از دلایل اکتفا کرده، تفصیل برخی مطالب را به دیگر کتب خویش همچون کتاب *نهایة المرام فی علم الکلام*،<sup>۵</sup> *الأسرار الخفیة فی العلوم العقلیة* و *مناهج الیقین فی اصول الدین*<sup>۶</sup> ارجاع داده است. در پایان کتاب نیز به عنوان یک راهبرد کلی در مطالعه آثار کلامی خویش چنین می‌نویسد:

من أراد التطویل فعلیه بکتابنا المسمی بنهایة المرام فی علم الکلام و من أراد التوسّط فعلیه بکتاب منتهی الوصول و المناهج و غیرهما من کتبنا.<sup>۷</sup>

آن‌گونه که بیان شد کتاب *نهج‌المسترشدين* فی اصول‌الدین از آثار موجز علامه حلی در علم کلام است. ایجاز این کتاب در کنار اهمیتش، برخی از شاگردان و اندیشمندان هم عصر علامه و نیز متکلمان پس از وی را بر آن داشت تا عبارات مختصر و ایجازگونه ایشان را شرح و تفصیل دهند.<sup>۸</sup> حاصل تلاش آنان شروحي است که بر اساس تاریخ تألیف عبارتند از:

۱. تذکرة الواصلین فی شرح نهج‌المسترشدين،<sup>۹</sup> تألیف سید نظام‌الدین عبدالحمید بن مجدالدین اعرجی حسینی (متولد ۶۸۳ق)،<sup>۱۰</sup> تاریخ تألیف: جمادی الاخری سال ۷۰۳ق.

۵. علامه تفصیل مباحث زیر را به کتاب *نهایة المرام* ارجاع داده است:

مسئله تعلق قدرت خداوند به جمیع مقدرات، مسئله حیات واجب تعالی، مسئله اراده خداوند (فصل پنجم)؛ نظریة احوال (فصل ششم)؛ مسئله استحالة رؤیت خداوند (فصل هفتم)؛ مسئله حقیقت انسان، مسئله إعادة معدوم (فصل سیزدهم).

۶. علامه تفصیل بحث درباره مسئله جوهر فرد (فصل چهارم) را به کتاب *الأسرار الخفیة* ارجاع داده است.

۷. علامه تفصیل بحث درباره مسئله حقیقت انسان (فصل سیزدهم) را علاوه بر کتاب *نهایة المرام* به کتاب *مناهج الیقین* نیز ارجاع داده است.

۸. الحلّی، الحسن بن یوسف، *نهج‌المسترشدين فی اصول الدین*، ص ۸۵.

۹. برای نمونه بنگرید: *الأعرجی، عبدالحمید، تذکرة الواصلین فی شرح نهج‌المسترشدين*، ص ۳۵؛ *قد صنف [العلامة الحلّی] کتاباً فی علم الکلام، حاویاً لجمیع مسائله الدقیقة، مشتملاً علی أبحاثه العمیقة، مع کونه قد بلغ فی الإیجاز إلى الغایة و تجاوز فی الاختصار إلى النهایة، فأحببت أن اصنّف له شرحاً کاشفاً لحقائقه و موضحاً لدقائقه...*

۱۰. از این کتاب تاکنون شش نسخه در ایران شناسایی شده است: ۱. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۵۵۵۶. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۰۲۱/۲ که کتابت آن در ربیع‌الاول سال ۸۵۰ق به انجام رسیده است. ۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۳۱۰/۴ که پایان کتابت آن سال ۹۰۹ق است. ۴. نسخه کتابخانه مرکز احیاء تراث اسلامی به شماره ۴۰۰۰/۳ که تاریخ استنساخ آن قرن دهم است. ۵. نسخه کتابخانه فاضل خوانساری به شماره ۱۸ که در سال ۱۰۵۸ق کتابت شده است. (عکسی از این نسخه به شماره ۱۰۷ در مرکز احیاء تراث اسلامی قم موجود است). ۶. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۵۶۷/۱ که به سال ۱۲۹۹ق در نجف اشرف نوشته شده است. (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۷، ص ۹۵۷-۹۵۸) علاوه بر نسخه‌های ذکر شده، نسخه‌ای نیز در کتابخانه مؤسسه کاشف الغطاء به شماره ۴۲۱۰ موجود است. (بنگرید: همو، *معجم المخطوطات العراقیة*، ج ۴، ص ۲۱۹)

۱۱. این کتاب با تحقیق آقای طاهر السالمی از سوی مرکز اسلامی للدراسات الإستراتیجیة وابسته به عتبة مقدسه عباسیه در سال ۱۴۳۶ق منتشر شده است. فاضل گرامی آقای دکتر عطایی نظری نقدی بر این تحقیق نگاشته است، (بنگرید: عطایی نظری، حمید، «نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۲): معرفی انتقادی ویراست تذکرة الواصلین فی شرح نهج‌المسترشدين»، آینه پژوهش، ش ۱۵۸، ص ۷-۸۸.

۲. تبصرة الطالبین فی شرح نهج المسترشدين،<sup>۱۲</sup> نوشته سید عمیدالدین عبدالمطلب بن مجدالدین اعرجی حسینی (۶۸۳-۷۵۴ ق).
۳. معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين، اثر فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۶۸۲-۷۷۱ ق). در ادامه درباره این شرح خواهیم نوشت.
۴. موصل الطالبین الی شرح نهج المسترشدين، نگاشته نصیرالدین علی بن محمد کاشانی (۷۵۵ ق).<sup>۱۳</sup>
۵. ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين،<sup>۱۴</sup> تألیف جمالالدین مقداد بن عبدالله سیوری حلّی (م ۸۲۶ ق)،<sup>۱۵</sup> تاریخ تألیف: ۲۱ شعبان سال ۷۹۲ ق.
۶. التحقیق المبیین فی شرح نهج المسترشدين، اثر نجمالدین خضر بن محمد بن علی رازی حبلرودی (م حدود ۸۵۰ ق)،<sup>۱۶</sup> تاریخ تألیف: سال ۸۲۸ ق.
۷. کشف احوال الدین فی شرح نهج المسترشدين، تألیف جواد بن سعید بن جواد کاظمی.<sup>۱۷</sup>

- 
۱۲. از این کتاب یک نسخه به شماره ۵ متعلق به کتابخانه آیت الله حکیم در نجف در دسترس است. کاتب این نسخه علی بن محمد بن محمد بن علی الاوی است که آن را برای شیخ علی بن عزالدین حسن الشواء که اهل علم بوده نوشته و به تاریخ بیستم رجب سال ۸۱۳ ق به پایان رسانده است. (بنگرید: درایتی، مصطفی، معجم المخطوطات العرفیة، ج ۳، ص ۶۳۷)
  ۱۳. از این کتاب سه نسخه در ایران شناسایی شده است: ۱. نسخه کتابخانه ملک به شماره ۱۶۲۹ که در تاریخ ششم ربیع الاول سال ۷۹۱ ق توسط عبدالله بن محمد بن مجاهد بن ابی السرور بن ابی العز کتابت شده است. ۲. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۴۶۶۲ که تاریخ استنساخ آن ۱۰۹۱ ق است. ۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۶۵۳۶ (دو نسخه اخیر در فنخا به عنوان شروح ناشناخته نهج المسترشدين معرفی شده است). (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲، ص ۹۱۴ و ج ۳، ص ۵۴۸) علاوه بر این سه نسخه، نسخه دیگری متعلق به کتابخانه حسن حسینی پاشا به شماره ۱۱۵۳ که اکنون در کتابخانه سلیمانیه ترکیه نگهداری می شود وجود دارد. (بنگرید: فهرست کتابخانه حسن حسینی پاشا، ص ۴۰) از این نسخه در فهرست کتابخانه حسن حسینی پاشا با عنوان نهج المسترشدين فی اصول الدین یاد شده، در حالی که با مقایسه متن این نسخه با سایر نسخه های موصل الطالبین می توان دریافت که این اثر، نسخه ای از موصل الطالبین است.
  ۱۴. نسخه های پرشماری از ارشاد الطالبین در کتابخانه های ایران وجود دارد. (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۳، ص ۹۰-۹۲)
  ۱۵. این کتاب با تحقیق آقای سید مهدی رجایی و بر اساس دو نسخه کتابخانه مدرسه معمار به شماره ۹۳ و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۳۴۲۷ منتشر شده است.
  ۱۶. از این کتاب پنج نسخه شناسایی شده است: ۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۷۲ که تاریخ استنساخ آن هجدهم جمادی الأولى سال ۱۰۴۵ ق است. ۲. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۱۱۱ که کتابت آن در هفدهم محرم سال ۱۱۰۵ ق به اتمام رسیده است. ۳. نسخه کتابخانه مدرسه سیهسالار به شماره ۱۲۷۱ که تاریخ کتابت آن سال ۱۲۵۶ ق است. ۴. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۰۳۶۱ که توسط جعفر بن محمد عاملی در سال ۹۲۳ ق کتابت شده است. ۵. نسخه کتابخانه غرب همدان به شماره ۱۱۱۵۸. این نسخه در تارنمای کتابخانه آستان قدس رضوی معرفی شده است و در فهرست نسخه های خطی کتابخانه غرب همدان به چشم نمی خورد. (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)، ویراست دوم، ج ۴، ص ۳۹)
  ۱۷. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۱۱۹. صاحب ریاض نسخه ای از کشف احوال الدین را دیده و آن را این گونه توصیف کرده است: «و هو شرح مبسوط ممزوج بالمتن حسن جید جداً».

۸. شرح نهج المسترشدین، اثر فخرالدین بن محمد علی طریحی (۹۷۹-۱۰۸۷ق).<sup>۱۸</sup>

۹. مناہج الراشدین فی شرح نهج المسترشدین، نوشته علی بن ابوالقاسم حسینی عسکری (م قرن ۱۲ هجری).<sup>۱۹</sup>

۱۰. شرح نهج المسترشدین، تألیف محمد حسن بن مصطفی خوئینی.<sup>۲۰</sup>

## ۲. معرفی کتاب معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین

معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین از تألیفات محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۸۲-۷۷۱ق) مشهور به فخرالمحققین است. وی علوم عقلی و نقلی را از پدر خویش علامه حلی فراگرفت و کتب امامیه را نزد ایشان خواند.<sup>۲۱</sup> فخرالمحققین علاوه بر معراج الیقین که به شرح و توضیح نهج المسترشدین علامه حلی اختصاص دارد، کتب زیر را نیز در شرح آثار پدر بزرگوار خود تألیف کرده است: ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، شرح مبادئ الاصول، غایة السؤل فی شرح تهذیب الاصول و حاشیة الارشاد.

کتاب معراج الیقین با شیوه «قال، أقول» در زمان حیات علامه حلی نگارش یافته و بنا به تصریح نویسنده، در تاریخ ششم ربیع الآخر سال ۷۱۵ق در سلطانیه به انجام رسیده است.<sup>۲۲</sup> تلاش فخرالمحققین بر آن بوده تا ضمن تبیین پیچیدگی‌ها و توضیح دشواری‌های کتاب نهج المسترشدین از تقریر کلام مصنف فراتر نرود.<sup>۲۳</sup>

در اینکه فخرالمحققین اثری در شرح نهج المسترشدین علامه حلی داشته است تردیدی نیست. آقابزرگ طهرانی از این شرح با عنوان معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین فی اصول الدین یاد کرده

۱۸. الطهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶۳.

۱۹. نسخه‌ای از این کتاب به شماره ۸۶۱ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود که پایان کتابت آن ربیع الأول سال ۱۱۳۳ق می‌باشد. (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۱، ص ۶۸۵)

۲۰. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۵۹۶/۳ نگهداری می‌شود. کتابت این نسخه توسط محمد تقی بن محمد حسین بن ملا احمد خوئینی در ۲۸ ذی القعدة سال ۱۲۷۷ق به انجام رسیده است. (بنگرید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۰، ص ۹۱۳)

۲۱. فخرالمحققین در شرح خطبه کتاب قواعد الأحكام در این باره می‌نویسد: «إني لما اشتغلت على والدي قدس الله سره في المعقول والمنقول وقرأت عليه كثيراً من كتب أصحابنا فالتمسست منه أن يعمل لي كتاباً في الفقه جامعاً لقواعده حاوياً لفرانده...» (بنگرید: الحلّی، محمد بن الحسن، إیضاح الفوائد فی شرح القواعد، ص ۹)

۲۲. الحلّی، محمد بن الحسن، معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین فی اصول الدین، ص ۳۷۹: «فرغ من تعلیقه مصنفه محمد بن حسن بن یوسف بن علی بن المطهر سادس ربیع الآخر من سنة خمس عشر و سبعمائة بالبلدة المعمورة السلطانية».

۲۳. همان، ص ۳۱: «أما بعد، فهذا کتاب معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین فی اصول الدین تصنیف والدي الإمام العلامة المعظم جمال الملة و الحق و الدين، الحسن بن یوسف بن المطهر دام ظلّه، کشف فيه أسناره و أوضحت أسراره، و لم أتجاوز تقریر کلامه و تلخیص مرآه».

است.<sup>۲۴</sup> همو هنگام معرفی «موسی بن جعفر بن عیسی بن مبارک الحدّاد الحلّی»<sup>۲۵</sup> وی را از شاگردان فخرالمحققین دانسته و نوشته است:

او در زمان حیات فخرالمحققین شرح وی بر نهج المسترشدين، موسوم به معراج الیقین را کتابت کرده و آن را سه سال پیش از وفات فخر در سوم جمادی الاولی ۷۶۸ ق به انجام رسانده است.<sup>۲۶</sup>

همچنین درباره «نعمه الله الحسینی بن محمّد» که کاتب نسخه‌ای از معراج الیقین بوده نوشته است: رأیت بخطه معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين لفخرالمحققین، فرغ من الكتابة غرة ذی حجة ۹۸۰. <sup>۲۷</sup>

بنابراین از نظر آقابزرگ طهرانی شرح فخرالمحققین بر رساله نهج المسترشدين علامه حلّی، «معراج الیقین» نام داشته است. بر این مطلب هنگام معرفی شروح نهج المسترشدين نیز اشاره کرده است.<sup>۲۸</sup> ناگفته نماند وی ضمن معرفی شروح الفصول خواجه نصیرالدین طوسی (به نقل از سیدصدر در تکمله) از معراج الیقین به عنوان یکی از شروح این کتاب نام برده است.<sup>۲۹</sup> که صحیح به نظر نمی‌رسد. نویسنده معجم طبقات المتکلمین نیز شرح فخرالمحققین بر نهج المسترشدين را با نام معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين فی اصول الدین شناسانده است.<sup>۳۰</sup> برخی از تراجم نگاران و کتاب شناسان به وجود اثری از فخرالمحققین در شرح نهج المسترشدين تصریح کرده‌اند، اما نامی از معراج الیقین به میان نیاورده‌اند.<sup>۳۱</sup>

فخرالمحققین علاوه بر معراج الیقین چند اثر کلامی دیگر نیز دارد. وی تحصیل النجاة فی اصول الدین<sup>۳۲</sup> را برای یکی از شاگردان خویش به نام «ناصرالدین حمزة بن حمزة بن محمّد العلوی الحسینی» نگاشته است.<sup>۳۳</sup> المسائل الناصریات پرسش‌های همین شخص است که فخرالمحققین

۲۴. الطهرانی، محمّد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۳۷.

۲۵. با توجه به ترقیمه نسخه خطی معراج الیقین که در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۸۴۵۷ نگهداری می‌شود، نام کاتب «معاذ بن جعفر بن عیسی بن مبارک الحدّاد» است: «وکان الفراغ من تعلیقه ثالث جمادی الأول من سنة ثمانية وستین و سبعمائة علی ید العبد الفقیر إلى الله الغنی معاذ بن جعفر بن عیسی بن مبارک الحدّاد حامدًا لله تعالی».

۲۶. الطهرانی، محمّد محسن، طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۱.

۲۷. همان، ج ۷، ص ۲۶۶.

۲۸. همو، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶۳.

۲۹. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

۳۰. السبجانی، جعفر، معجم طبقات المتکلمین، ج ۳، ص ۱۴۲.

۳۱. الخوانساری، محمّد باقر، روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۶، ص ۳۳۷؛ الصدر، حسن، تکملة أمل الأمل، ج

۴، ص ۴۶۳؛ القمی، عباس، الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۱۶؛ الأمین، محسن، أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۵۹.

۳۲. این کتاب در سال ۱۳۹۶ ش توسط انتشارات مجمع ذخائر اسلامی به تصحیح مصطفی احمدی منتشر شده است. چاپ دیگری نیز در عراق از سوی انتشارات مرکز علامه حلّی به تحقیق آقای حامد فیاضی وجود دارد.

۳۳. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۱۹۹؛ الأمین، محسن، أعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۴۱.

به خط خود به آنها پاسخ داده و نسخه‌ای از خط مؤلف به شماره ۶۴۹ در کتابخانه ملک موجود است.<sup>۳۴</sup> ارشاد المسترشدین فی اصول الدین نیز رساله‌ای است کوتاه که در واقع حکم اعتقادنامه را دارد.<sup>۳۵</sup> آقابزرگ طهرانی از این رساله با نام ارشاد المسترشدین و هدایة الطالبین فی اصول الدین نام می‌برد.<sup>۳۶</sup> رساله دیگر کلامی ایشان الکافیة الوافیة فی الکلام است<sup>۳۷</sup> که با نام الکافیة فی الکلام<sup>۳۸</sup> نیز معرفی شده است. النکت الاعتقادیة، عقاید فخرالدین، رساله دوازده امام و رساله‌ای درباره «برتری امیرالمؤمنین بر سایر انبیا» از دیگر رساله‌های کلامی منسوب به فخرالمحققین است.<sup>۳۹</sup>

از کتاب معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین تنها سه نسخه باقی مانده است. دو نسخه از این اثر در ایران و یک نسخه در عراق به شرح زیر موجود است:

۱. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۸۴۵۷. این تنها نسخه‌ای از معراج الیقین است که در فنخا معرفی شده است.<sup>۴۰</sup> در ویراست دوم مجموعه دنا نیز همین یک نسخه آمده است.<sup>۴۱</sup> با توجه به ترقیمه، کتابت این نسخه در تاریخ سوم جمادی الأولى سال ۷۶۸ق، یعنی سه سال قبل از وفات مؤلف به دست معاذ بن جعفر بن عیسی بن مبارک حداد حلی به انجام رسیده است. اطلاعات فنخا درباره این نسخه چنین است: «قم، مرعشی، شماره نسخه: ۸۴۵۷، خط: نسخ، بی‌کا، تا: قرن ۱۲، از روی نسخه‌ای که جعفر بن عیسی بن مبارک الحداد به سال ۷۶۸ هجری قمری نوشته بود، تملک: سید مصطفی خوانساری، جلد: تیماج، ۱۰۷ (برگ)، ۲۰ سطر، اندازه ۱۰\*۱۵».<sup>۴۲</sup> اینکه چرا فنخا به پیروی از فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی کتابت نسخه را به قرن ۱۲ نسبت داده است روشن نیست، شاید این تاریخ به دلیل نوع خط و کاغذ باشد. این نسخه در تصحیح آقای طاهر اسلامی با رمز «ا» معرفی شده است.

۲. نسخه کتابخانه ملی به شماره ۲۰۱۶۶-۵. مرحوم همایی در ابتدای نسخه آن را «بسیار نفیس» توصیف کرده است. با توجه به ترقیمه، کتابت این نسخه در عصر چهارشنبه پانزدهم ذی القعدة سال ۷۷۶ق، یعنی پنج سال پس از وفات مؤلف به دست عبدالله بن حسن بن محمد نجار به انجام رسیده است. این نسخه به خط نسخ کهن بوده و در تصحیح آقای طاهر اسلامی با رمز «ب» شناسانده شده است.

۳۴. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۹، ص ۳۱۳.

۳۵. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۷۸؛ الکنزوری، اعجاز حسین، کشف الحجب والأستار، ص ۳۹.

۳۶. الطهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۲۱.

۳۷. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۷۷؛ الامین، محسن، أعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳۸. الکنزوری، اعجاز حسین، کشف الحجب والأستار، ص ۴۲.

۳۹. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۶، ص ۲۷۵.

۴۰. همان، ج ۳، ص ۳۹۱-۳۹۲.

۴۱. همو، فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا)، ویراست دوم، ج ۱۶، ص ۶۷۳.

۴۲. همو، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳، ص ۳۹۲.



۳. نسخه کتابخانه آیت الله حکیم (نجف) به شماره ۱۰۸۱-۲. اطلاعات ارائه شده از سوی کتابخانه آیت الله حکیم در صفحه اول نسخه چنین است: «اسم الكتاب: معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين. المؤلف: محمد بن الحسن فخرالمحققین الحلّی. الناسخ: نعمة الله بن محمد. التاريخ: ۹۸۰. الموضوع: کلام. اللغة: عربی. الحجم: ۱۱،۷\*۱۷. عدد الصفحات: ۱۵۶. عدد الأسطر: ۲۱. الملاحظات: ناقص الأول». آقابزرگ طهرانی نیز این نسخه را ناقص الأول می خواند: «فیها نقص من الأول»،<sup>۴۳</sup> در حالی که چنین نیست و هیچ افتادگی ای از ابتدا ندارد. این نسخه در تصحیح آقای طاهر السلامی با رمز «ج» معرفی شده است.

### ۳. ارزیابی و نقد تصحیح «معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين»

با وجود تلاش انجام شده از سوی آقای طاهر السلامی، تصحیح ارائه شده از کتاب معراج الیقین از جهات مختلف دارای اشکالاتی است که در چند بخش مورد بحث قرار می دهیم.

#### ۳-۱. اساس قرار دادن نسخه مرجوح در تصحیح اثر

بنا به تصریح مصحح محترم در مقدمه خود بر کتاب معراج الیقین، نسخه شماره ۸۴۵۷ کتابخانه آیت الله مرعشی (با رمز أ)، به دلیل تقدم زمان کتابت آن نسبت به دو نسخه دیگر و نیز کتابت آن در زمان حیات مؤلف به عنوان نسخه اساس در تصحیح این اثر برگزیده شده است.<sup>۴۴</sup> هر چند قدمت یک نسخه مؤلفه تأثیرگذاری در گزینش آن به عنوان نسخه اساس و اصل در تصحیح یک اثر است، همواره چنین نیست که اقدم نسخ، اصح نسخ باشد. به نظر می رسد مصحح با اعتماد بر کتابت نسخه یادشده در زمان حیات مؤلف و نیز مقدم بودن تاریخ کتابت آن نسبت به دیگر نسخه ها، بدون توجه به افتادگی ها و اغلاط متعدد این نسخه، آن را بر دو نسخه دیگر ترجیح داده و تصحیح خویش را بر اساس آن سامان بخشیده است.

مصحح محترم خود به ضعف نسخه (أ) از ناحیه سقط های موجود در آن واقف بوده و در شماره سوم منهج تحقیق بر «کامل نبودن افتادگی های نسخه اساس تصحیح با بهره گیری از دیگر نسخه ها»<sup>۴۵</sup> تصریح می کند. اینکه چرا با علم به ضعف این نسخه، آن را اساس تصحیح خویش قرار داده، جای تعجب است. برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می کنیم.<sup>۴۶</sup> در هر مورد ابتدا ضبط نسخه (أ) و پس از آن، ضبط متن تصحیح شده که با استفاده از دیگر نسخه ها تکمیل شده بیان می شود:

۴۳. الطهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۳۷.

۴۴. الحلّی، محمد بن الحسن، معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين فی اصول الدین، ص ۲۳.

۴۵. همان: «اکمال ما سقط من نسخه (أ) من باقی النسخ المذكور، حتی خرج الكتاب من ناحية المتن کاملاً بحمد الله».

۴۶. مصحح محترم به منظور عدم خلط میان عبارات نسخه اساس با عبارات افزوده شده از دو نسخه دیگر، این عبارات را بین دو قلاب قرار داده و در پاورقی با تعابیر «أثبتناه من (ب)، ج/» / «أثبتناه من (ج)»، به آن اشاره کرده است.

۱. ص ۵۶، س ۱۴: «فذهب بعضهم إلى أنه غير مشترك» ---- «فذهب بعضهم إلى أنه غير مشترك اشتراكاً معنوياً، بل هو مشترك بالاشتراك اللفظي كالعين».

۲. ص ۱۸۶، س ۱۳: «اتفقت الأشاعرة على أنه تعالى عالم بالعلم، قادر بالقدرة، حي بالحياة إلى غير ذلك من الصفات» ---- «اتفقت الأشاعرة على أنه تعالى عالم بالعلم، قادر بالقدرة، حي بالحياة إلى غير ذلك من الصفات [وجعلوها أموراً موجودة في الخارج قائمة بذاته قديمة]».

۳. ص ۲۰۸، س ۱: «وهو اختيار المصنّف» ---- «وهو اختيار المصنّف [وهو الحقّ عندي]».

۴. ص ۲۱۱، س ۱۰: «والعدم لا يجوز أن يكون جزء العلة» ---- «والعدم لا يجوز أن يكون جزء العلة [للحدوث]».

۵. ص ۲۱۲، س ۳: «لكن نمنع عدم اشتراك غير هذين بينهما» ---- «[سلمنا] لكن نمنع عدم اشتراك غير هذين بينهما».

۶. ص ۲۱۸، س ۱۰: «الفعل ضروري التصوّر إمّا أن لا يكون له صفة زائدة على حدوثه أو يكون» ---- «الفعل ضروري التصوّر، [ويعرّف لفظاً بأنه ما صدر عن المؤثّر. و زاد بعضهم بالقدرة والاختيار، فخرج معلول العلل الموجبة كإحراق النار، وكثير من المعتزلة لا يسمّونه فعلاً. والحقّ: أنّه نزاع لفظي. إذا عرفت هذا، فنقول: الفعل بالمعنى الأوّل] إمّا أن لا يكون له صفة زائدة على حدوثه أو يكون».

۷. ص ۲۱۹، س ۲: «وهو المباح ويرسم بأنه ما لا مدح في فعله وتركه، ولا ذمّ فيهما» ---- «وهو المباح ويرسم بأنه ما لا مدح في فعله [لا في] تركه، ولا ذمّ فيهما [مع قدرة القادر عليه العالم به]».

۸. ص ۲۲۵، س ۵: «ذهب أهل العدل وهم الإماميّة والمعتزلة إلى أنه تعالى لا يفعل القبيح، ولا يخلّ بالواجب؛ خلافاً للأشاعرة» ---- «ذهب أهل العدل وهم الإماميّة والمعتزلة إلى أنه تعالى لا يفعل القبيح، ولا يخلّ بالواجب؛ خلافاً للأشاعرة، [ولمّا كان الإخلال بالواجب قبيحاً أيضاً اكتفى بالاستدلال على الأوّل]».

۹. ص ۲۴۴، س ۱۰: «ووجه حسنها بحيث يختار المكلف معه الأثم لو عرض عليه» ---- «ووجه حسنها [العوض الزائد] بحيث يختار المكلف معه الأثم لو عرض عليه».

۱۰. ص ۲۶۹، س ۱۹: «أنّ المعجز من لا يفعل القبيح» ---- «أنّ المعجز [من فعل] من لا يفعل القبيح».

۱۱. ص ۲۸۴، س ۱۴: «فلو جاز عليه الخطأ لاحتاج إلى لطف، وهو إمام آخر» --- «فلو جاز عليه الخطأ لاحتاج إلى لطف، وهو إمام آخر، [وننقل الكلام إليه، ويتسلسل]».

۱۲. ص ۲۹۵، س ۸: «أَنَّ قَوْلَهُ: «الَّذِينَ آمَنُوا» المراد به بعض المؤمنين، وإِنَّمَا قلنا ذلك لأنَّ...»  
«أَنَّ قَوْلَهُ: «الَّذِينَ آمَنُوا» المراد به بعض المؤمنين [لوجهين: أحدهما: أَنَّهُ وصف المؤمنين في الآية لم تكن  
حاصلة لجميع المؤمنين] وإِنَّمَا قلنا ذلك لأنَّ...».

۱۳. ص ۳۱۶، س ۴: «وقد وجد في القرون الخالية من عمّر عمراً مديداً أطول من عمره هذا»  
«وقد وجد في القرون الخالية من عمّر عمراً مديداً أطول من عمره هذا [فقد وجد في الأنبياء مثل الخضر  
وإلياس وفي الأتقياء مثل السامري والدجال فلم لا يجوز في الأولياء].»

از این نمونه‌ها در متن مصحح معراج الیقین موارد بسیاری قابل مشاهده است. در برخی از موارد  
چندین سطر و گاه تا حدود یک صفحه از دو نسخه (ب و ج) در تکمیل نسخه (أ) استفاده شده  
است. با این وصف، اساس قراردادن نسخه (أ) چندان توجیه‌پذیر نخواهد بود.

## ۲-۳. عدم پایبندی به نسخه اساس

در تصحیح یک متن از روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی می‌توان بهره گرفت. «تصحیح بر مبنای نسخه  
اساس» یکی از این روش‌هاست. در این روش «متن را بر اساس اصلی‌ترین و صحیح‌ترین نسخه  
موجود از آن که «نسخه اساس» نامیده می‌شود، مورد تصحیح و تحقیق قرار می‌دهند. در این شیوه،  
مصحح حق ندارد به مجرد اینکه ضبط نسخه اساس نسبت به ضبط یکی از نسخه‌های فرعی  
قدری ضعیف به نظر رسید، آن را مردود بشمارد و ضبط نسخه فرعی را جایگزین آن نماید. به دیگر  
سخن تا نادرستی ضبط نسخه اساس محرز و برای آن دلیلی روشن موجود نباشد، به صرف ضعف یا  
نامشهور بودن نمی‌توان از ضبط نسخه اساس عدول کرد».<sup>۴۷</sup>

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، مصحح محترم نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی را نسخه اساس خود  
در تصحیح متن معراج الیقین قرار داده است. بررسی و پیراسته ارائه شده از سوی آقای طاهر السلامی  
نشان می‌دهد که ایشان در موارد متعددی از روش یادشده عدول کرده و به تصحیح اثر بر مبنای  
نسخه اساس پایبند نبوده است. در قسمت‌هایی از متن اثر با وجود اینکه ضبط نسخه اساس غلط  
نبوده، ضبط نسخه‌های دیگر ترجیح داده شده است و حتی در پاورقی هم به این جایگزینی غیر لازم  
و ناصواب اشاره نشده است. در ادامه نمونه‌هایی از این موارد نشان داده می‌شود. ابتدا ضبط متن  
تصحیح شده و به دنبال آن ضبط نسخه (أ) بیان می‌شود.

۱. ص ۳۹، س ۱۰: «والقائل بأنّه يمكن خلؤها عن صفة الوجود» ---- «والقائل بأنّه يمكن خلّو الماهية  
عن صفة الوجود».

۲. ص ۴۱، س ۱: «إذا عرفت ذلك فنقول» ---- «إذا عرفت هذا فنقول».

۳. ص ۵۷، س ۱۲: «مفهوم السلب مفهوم واحد من حيث هو سلب» ---- «مفهوم السلب مفهوم واحد من حيث إنه سلب».
۴. ص ۶۱، س ۱۰: «وأما الامتناع فلا شك أنه من الاعتبارات العقلية» ---- «وأما الامتناع فلا شك في كونه من الاعتبارات العقلية».
۵. ص ۱۷۱، س ۱۸: «أما الصغرى، فقد مَرَّ بيانها» ---- «أما الصغرى، فتقدم بيانها».
۶. ص ۲۲۴، س ۵: «أنّ العلم غير مؤثر في القدرة؛ لأنّه تابع للمعلوم» ---- «أنّ العلم غير مؤثر في القدرة؛ لأنّه تابع للمعلوم».
۷. ص ۲۲۵، س ۹: «بيان أنّ الصارف عن القبيح أنّه تعالى عالم بقبح القبيح» ---- «بيان أنّ له صارفاً عن القبيح أنّه تعالى عالم بقبح القبيح».
۸. ص ۲۲۷، س ۵: «أنّه لا تأثير لقدرة العبد في مقدور أصلاً» ---- «أنّه لا تأثير لقدرة العبد في مقدوره أصلاً».
۹. ص ۲۳۰، س ۵: «أو ينتهي إلى مرجح من فعله تعالى» ---- «أو ينتهي إلى مرجح من فعل الله تعالى».
۱۰. ص ۲۶۳، س ۷: «وأما العدم كمنع القادر على حمل الكثير عن حمل اليسير» ---- «وأما العدم فكمنع القادر على حمل الكثير عن حمل اليسير».
۱۱. ص ۲۶۳، س ۱۱: «وقولنا: «الخارق للعادة» احترازاً ممّا ليس بخارق» ---- «وقولنا: «الخارق للعادة» احترازاً ممّا ليس بخارق».
۱۲. ص ۲۶۴، س ۱۶: «والنظام إلى أنّه الصرفة، بمعنى أنّ الله تعالى صرف العرب: منعهم عن معارضة» ---- «والنظام إلى الصرفة، بمعنى أنّ الله تعالى صرف العرب عن المعارضة».
۱۳. ص ۲۹۱، س ۶: «واتفقت الأئمة على أنّ هذه الآيات في عليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام» ---- «واتفقت الأئمة على أنّ هذه الآيات جميعها نزلت في عليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام».
۱۴. ص ۳۳۲، س ۱۰: «فيكون هو مبتدأ من حيث معاداً» ---- «فيكون مبتدأ من حيث إنه معاد».

### ۳-۳. اهمال و سهل انگاری در ضبط نسخه بدلها

یکی از اشکالات اساسی و نقاط ضعف بنيادین ویراست کتاب معراج الیقین اهمال و سهل انگاری مصحح در ثبت و ضبط نسخه بدلهاست. مراجعه به نسخه های مورد استفاده در تصحیح این اثر گویای آن است که آقای طاهر السلامی با وجود تصریح بر اینکه: «موارد اختلاف موجود میان نسخه ها

را در حاشیه ذکر کرده است: «<sup>۲۸</sup> در بسیاری از موارد نسبت به این مهم غفلت ورزیده و اهتمام چندانی به ذکر اختلاف نسخه‌ها مبذول نداشته است. برای سنجش میزان اهمال و سهل‌انگاری مصحح محترم در ثبت و ضبط نسخه‌ها کافی است تنها چند صفحه از ویراست ایشان را با نسخه‌های اثر مقایسه کنیم. بدین منظور ابتدا ضبط متن تصحیح شده و پس از آن آنچه در نسخه‌های اثر آمده ذکر می‌شود تا با مقایسه این دو روشن شود که کدام کلمه یا عبارت از کدام نسخه اثر در ویراست مذکور گزارش نشده است. هیچ یک از اختلافات موجود در نسخ اثر که در جدول زیر بیان شده، در متن مصحح معراج الیقین نیامده است. در مواردی که متن تصحیح شده با برخی از نسخه‌ها مطابقت دارد، کلمه «متن» در ستون مربوط قرار داده شده است.

ردیف	صفحه / سطر	ضبط متن تصحیح شده	ضبط نسخه ا	ضبط نسخه ب	ضبط نسخه ج
۱	ص ۳۱ / س ۸	بخدمتهم ملائكة السماء	بحرمتهم ملائكة السماء	متن	بخدمتهم ملائكة
۲	ص ۳۳ / س ۳	بالأخلاق الحميدة و الصور القدسیة	متن	متن	بالأخلاق الحميدة
۳	ص ۶۷ / س ۶	فیخرج الخط	فخرج الخط	لیخرج الخط	متن
۴	ص ۶۸ / س ۸	جسم یوجد فی آن	جسم فی آن	متن	متن
۵	ص ۷۴ / س ۴	وهذا تعریف للخلاء الذي بین الأجسام	وهذا تعریف للخلاء الذي بین الأجسام	متن	وهذا تعریف الخلاء الذي بین الأجسام
۶	ص ۸۳ / س ۵	فالمحققون علی أنها من المحسوسات	متن	فالمحققون علیها؛ لأنها من المحسوسات	فالمحققون علیها؛ لأنها من المحسوسات
۷	ص ۸۴ / س ۱۶	لأن الصاعدة ضد الهابطة مع وحدة الطريق	لأن الصاعدة ضد الهابطة مع وحدة الطريق	متن	متن
۸	ص ۱۰۹ / س ۱۱	نور الشمس لما نشاهده	نور الشمس لمشاهدة	متن	متن
۹	ص ۱۳۴ / س ۱۰	سلمنا لكننا جؤزنا بالعرض	متن	سلمنا لكن جؤزنا قیام العرض بالعرض	سلمنا لكن جؤزنا قیام العرض بالعرض
۱۰	ص ۳۶ / س ۱۲	التقابل أربعة أصناف	متن	متن	التقابل علی أربعة أصناف
۱۱	ص ۱۳۹ / س ۱۱	فإن عدم الملكة عدم نسبة الشيء عن محل يمكن أتصافه به	متن	فإن عدم الملكة عدم شيء عن محل يمكن أتصافه به	فإن عدم الملكة عدم شيء عن محل يمكن أتصافه به

ردیف	صفحه / سطر	ضبط متن تصحیح شده	ضبط نسخه ا	ضبط نسخه ب	ضبط نسخه ج
۱۲	ص ۱۵۴ / س ۲	وتقریره أن نقول: إنَّ علةَ العدم هو عدم العلة	وتقریره أن نقول: علةَ العدم عدم العلة	وتقریره: أنَّ علةَ العدم هو عدم العلة	وتقریره: أنَّ علةَ العدم العلة
۱۳	ص ۱۶۲ / س ۷	وإن كان ممكناً افتقر إلى مؤثّر مغایر له	وإن كان ممكناً افتقر إلى مؤثّر مغایراً له	متن	وإن كان ممكناً لذاته افتقر إلى مؤثّر
۱۴	ص ۱۶۶ / س ۶	فلا بدّ و أن يكون اقتضاؤه له	فلا بدّ أن يكون اقتضاؤها	متن	فلا بدّ و أن يكون المؤثرية اقتضاؤه له
۱۵	ص ۱۷۲ / س ۱۱	يعلم بكلّ المعلومات	يعلم كلّ المعلومات	متن	يعلم كلّ المعلومات
۱۶	ص ۱۸۵ / س ۵	ببقاء الأول أو غيره و الأول يستلزم الدور	ببقاء الأول يستلزم الدور	ببقاء الأول أو غيره و الأول يستلزم الدور	ببقاء الأول أو غيره يستلزم الدور
۱۷	ص ۱۹۶ / س ۱۴	فالملزوم مثله	فالمقدّم مثله	متن	فالمقدّم مقدّم
۱۸	ص ۲۲۲ / س ۵	إنّ الضروريات لا تتفاوت	لأنه لا يتفاوت	متن	إنّ الضروريات لا يتفاوت
۱۹	ص ۲۳۸ / س ۱۲	وجوب الواجب و تكليفه به	وجوب الواجب و تكلفه	متن	وجوب واجب و تكليفه به
۲۰	ص ۲۷۹ / س ۱۲	الإمامة لطف و اللطف واجب على الله	متن	متن	الإمامة لطف واجب على الله
۲۱	ص ۲۸۲ / س ۹	فتكون القبائح بأسرها منحصرة معلومة	فيكون القبائح بأسرها محصورة معلومة	متن	فتكون القبائح بأسرها محصورة معلومة
۲۲	ص ۳۳۶ / س ۱۳	أنّ العالم باقٍ ببقاء غير باقٍ	متن	متن	أنّ العالم باقٍ

موارد بالاتنها نمونه‌ای اندک از تفاوتِ نسخ است که گزارش آن در ویراستِ مصحح محترم مورد غفلت واقع شده و متأسفانه از این قبیل موارد بسیار است.

#### ۳-۴. ابهام یا خطا در گزارش اختلاف نسخه‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مصحح محترم اهتمام چندانی به ذکر اختلاف نسخه‌ها نداشته و در بسیاری از موارد از این مهم غفلت کرده است. در مواردی اندک هم که گزارش نسخه بدل‌ها را آورده، به شیوه‌ای عمل کرده که بعضاً مشخص نیست کلمه یا عبارتی که در پاورقی به عنوان نسخه بدل آورده، دقیقاً ناظر به کدام کلمه یا عبارت در متن اثر است. به همین نحو در مواضعی که فقدان یک عبارت را در نسخه یا نسخه‌هایی گزارش می‌کند، کلمات مفقود در نسخه مورد اشاره را به طور واضح مشخص نکرده است. در مواردی نیز متأسفانه گزارش خلاف واقع دیده می‌شود. برخی از این موارد ابهام‌آمیز یا نادرست بدین شرح‌اند:

۱. ص ۳۳، س ۹: «إذ لولا حصول المقدمات التي هي العلوم الضرورية في طرق الانتقال و معرفة صحيحها من فاسدها لما أمكن التخلص من الضلال». این عبارت مطابق نسخه (أ) است. مصحح در پاورقی مربوط به کلمه «أمکن» نوشته است: «لا يوجد في ب». از این گزارش چنین دانسته می شود که در نسخه (ب)، واژه «أمکن» نیامده و عبارت به این شکل است: «لما التخلص من الضلال». هر چند گزارش یادشده صحیح است و کلمه «أمکن» در نسخه (ب) ذکر نشده، اما به جای «التخلص» که اسم است، فعل «تخلص» آمده و عبارت به این صورت است: «لما تخلص من الضلال». متأسفانه گزارش ناقص مصحح گویای آنچه در نسخه (ب) آمده است نیست.

۲. ص ۳۹، س ۱: «و عند باقي المعتزلة كأبي علي وأبي هاشم وأتباعهما: أن الماهيات البسيطة الممكنة المعدومة ثابتة في الخارج، و لا تأثير للفاعل فيه...». مصحح محترم پس از کلمه «الماهيات» علامتی نهاده و در پاورقی شماره یک نوشته است: «في سائر النسخ: الماهية». از آنجا که نسخه (أ) نسخه اساس در تصحیح این اثر بوده، از شیوه گزارش ایشان این طور فهمیده می شود که کلمه «الماهيات» که در متن اثر آمده مطابق این نسخه بوده و در دو نسخه دیگر، این واژه به شکل «الماهية» آمده است، در حالی که رجوع به نسخه های اثر نشان از آن دارد که آنچه در متن اثر آمده، مطابق دو نسخه (ب) و (ج) بوده و در نسخه (أ) «الماهية» کتابت شده است. همین خطا در گزارش اختلاف نسخه ها در عبارت «و لا تأثير للفاعل فيه» نیز وجود دارد.

۳. ص ۴۰، س ۳: «ولأنه ينتقض بالمتنوعات كشریک الباري و ببعض الممكنات أيضاً كالمركبات». مصحح در پاورقی شماره یک که به گزارش اختلاف نسخه ها درباره کلمه «كالمركبات» مربوط است، چنین نوشته: «في ب: كالمركب». مراجعه به نسخه های اثر گویای آن است که در همه نسخه ها این واژه به شکل «كالمركبات» آمده و گزارش ایشان کاملاً نادرست و خلاف واقع است.

۴. ص ۵۰، س ۲: «وقال بعضهم: أقل ما يتألف الجسم من جوهرين؛ لأنهم فسروا الجسم بالمؤلف و بالمقسم وهو صادق في المركب من جوهرين». واژه «بالمقسم» در نسخه (أ) به صورت «بالمقسم» و در نسخه (ب) به همان صورتی که در متن اثر آمده کتابت شده است. مصحح در پاورقی مربوط به این واژه چنین آورده است: «في ب: و بالمقسم». این گزارش با آنچه در متن اثر آمده تفاوتی ندارد و گویای اختلاف موجود میان نسخ اثر نیست. مصحح می بایست مطابق شیوه برگزیده خویش، ضبط نسخه (أ)، یعنی «بالمقسم» را در متن قرار می داد که در این حالت پاورقی یادشده درست می بود و اگر بر خلاف شیوه خود در اساس قراردادن نسخه (أ) چنین تشخیص داده که «بالمقسم» صحیح یا راجح است، لازم بود در پاورقی این گونه بنویسد: «في أ: و بالمقسم».

۵. ص ۵۸، س ۱۳: «والعلم بالجزئيات سابق على العلم بالكل». در پاورقی مربوط به این کلمه آمده است: «في ب، ج: الجزء». از این گزارش دانسته می شود که در دو نسخه یادشده واژه «الجزء» به

جای «بالجزئیات» آمده، در حالی که در این دو نسخه به جای «بالجزئیات»، «بالجزء» آمده است، نه «الجزء».

۶. ص ۱۲۵، س ۱۵: «و باقی المسلمین ذهبوا إلى أنه مغاير لتأثير الحاسّة». مصحح درباره این عبارت در پاورقی نوشته است: «العبارة لا توجد في ب». تعبیر ایشان بیانگر افتادگی این عبارت در نسخه (ب) است، در حالی که این عبارت به روشنی در این نسخه ذکر شده، هر چند به جای «المسلمین»، «المتکلمین» آمده است.

۷. ص ۱۵۳، س ۶: «لا يمكن تأخر المعلول عن العلة التامة؛ لأنه لو لا ذلك لجاز فرض وقوعه بدون علته التامة في وقت وانتفائه مع وجود علته التامة في آخر». مصحح در این عبارت در دو موضع، نشان پاورقی نهاده و در هر دو موضع به صورت ابهام آمیز عمل کرده است. موضع اول پس از کلمه «بدون» است که در پاورقی شماره دو این گونه نوشته است: «في ب: وجوده مع». فهم خواننده از این گزارش آن است که در نسخه (ب) به جای «بدون»، عبارت «وجوده مع» آمده است، در حالی که در نسخه یاد شده ترکیب «وجوده مع» به جای ترکیب «وقوعه بدون» نیشسته است. موضع دوم پس از واژه «آخر» است که در پاورقی مربوط به آن نوشته است: «لأنه لو لا ذلك لجاز فرض وقوعه بدون علته التامة في وقت وانتفائه مع وجود علته التامة لا يوجد في ج». هر چند مقدار عبارتی که از نسخه (ج) ساقط شده، با گزارش مصحح مطابق است، اما درج نشان پاورقی پس از کلمه «آخر» صحیح نیست و می بایست این نشان بعد از واژه «التامة» قرار می گرفت.

۸. ص ۱۸۸، س ۳: «اختلف [المتكلمون] في أنه تعالى هل هو مرید لذاته أم بإرادة». مصحح با توجه به آنچه در منهج تحقیق (شماره ۳) آورده، در مواردی که کلمه یا عبارتی از نسخه (أ) که نسخه اساس در ویراست مصحح است افتاده باشد، با استفاده از دو نسخه دیگر به تکمیل آن اقدام کرده است. در عبارت محل بحث، مصحح با قراردادن کلمه «المتكلمون» میان دو قلاب، در پاورقی مربوط به این واژه نوشته است: «أثبتناه من ب». این گزارش گویای آن است که در هر سه نسخه اثر فعل «اختلف» آمده و تنها در نسخه (ب) کلمه «المتكلمون» وجود داشته است و مصحح چنین تشخیص داده که باید این واژه از نسخه (ب) به متن افزوده و کاستی متن جبران شود. بررسی نسخه های اثر نشان می دهد که این عبارت در نسخه (أ) و (ج) به صورت «اختلفوا في أنه...» و در نسخه (ب) به شکل «اختلف المتكلمون في أنه...» آمده است. عدول مصحح از نسخه اساس، وجه روشنی ندارد و بر فرض ضرورت و صحت عدول، می بایست به صورت صحیح و دقیق به اختلاف نسخه ها اشاره می کرد.

۹. ص ۲۶۲، س ۴: «أقول: لا يجوز عليه السهو مطلقاً في الشرع وغيره، لأنه لو لم يكن كذلك لم يمتنع أن يسهو عن أداء بعض ما أمر بأدائه أو يؤدّي خلافة...». مصحح پس از واژه «مطلقاً» در پاورقی مربوط به این قسمت نوشته است: «العبارة في ب: يجب أن يكون النبي ممتنع عليه السهو مطلقاً». در این



گزارش چند خطا وجود دارد: نخست آنکه در نسخه (ب) که مصحح در پاورقی گزارش کرده، واژه «یمتنع» را به اشتباه «ممتنع» ضبط کرده است، در حالی که اگر آنچه در این نسخه آمده کلمه «ممتنع» می بود، باید به عنوان خبر «یکون» به صورت منصوب، یعنی «ممتنعاً» می آمد. دوم آنکه عبارت در هر دو نسخه (ب) و (ج) یکسان است. بنابراین می بایست در پاورقی چنین می نگاشت: «العبارة فی ب، ج: یجب أن یکون...»، حال آنکه نسخه (ج) ذکر نشده است. سوم آنکه ترکیب «لا یجوز علیه السهو مطلقاً» در هیچ یک از نسخ اثر وجود ندارد و عبارتی خود ساخته از سوی مصحح محترم است. در نسخه (أ) عبارت این قسمت از «لأنه لو لم یکن...» آغاز می شود و شایسته بود به دلیل نقص نسخه (أ)، ضبط یکسان دو نسخه دیگر در متن قرار گیرد و در پاورقی به این امر اشاره شود.

۱۰. ص ۲۸۷، س ۱۲: «الإمام یجب أن یکون أفضل من رعیتة. والدلیل علی ذلك أنه لو لم یکن کما قلناه لکان لکما مساویاً لغيره أو أنقص منه». در گزارش کلمه «لغيره» در پاورقی چنین آمده است: «فی أ: (کونه کغیره)». این پاورقی چنین می فهماند که در نسخه (أ) به جای «لغيره» عبارت «کونه کغیره» آمده است، در حالی که این گونه نیست و در نسخه یاد شده این ترکیب جایگزین «مساویاً لغيره» است.

۱۱. ص ۳۴۱، س ۱۱: «والنقض بالحدود غیر وارد». مصحح در تنها پاورقی صفحه درباره کلمه «غیر» نوشته است: «فی ب: لیس». برداشت خواننده از این پاورقی آن است که عبارت در نسخه (ب) چنین بوده است: «والنقض بالحدود لیس وارد» که با توجه به خبر بودن «وارد» برای «لیس»، این ترکیب نادرست است و عبارت صحیح آن چنان که در نسخه (ب) آمده، «والنقض بالحدود لیس وارداً» است. بنابراین لازم بود که مصحح محترم نشان پاورقی را پس از کلمه «وارد» قرار می داد و چنین می نوشت: «فی ب: (لیس وارداً) بدل (غیر وارد)».

### ۳-۵. ضبط ناصحیح کلمات و عبارات

از دیگر اشکالات مهم ویراست آقای طاهر السلاهی از کتاب معراج الیقین، ضبط ناصحیح کلمات و خوانش نادرست عبارات متن است. اشتباه در ثبت و ضبط کلمات و عبارات متن به نداشتن دقت کافی و شتاب زدگی در مقابله نسخه های اثر با یکدیگر بازمی گردد. در ادامه به بعضی از این موارد اشاره می کنیم. در هر مورد ابتدا ضبط نادرست و پس از آن، ضبط صحیح ذکر می شود:

۱. ص ۳۵، س ۱۳: «المراد بالمعدوم ما من شأنه أن یکون معلوماً» --- «المراد بالمعلوم هنا ما من شأنه أن یکون معلوماً». مصحح این عبارت را در پاورقی شماره ۲ در بیان اختلاف نسخه (ب) با دو نسخه (أ) و (ج) ذکر کرده است. مراجعه به نسخه (ب) روشن می کند که مصحح در ضبط کلمه «بالمعلوم» به اشتباه افتاده و آن را به نادرست، «بالمعدوم» ضبط کرده است. افزون بر این، در نسخه (ب) واژه «هنا» بعد از «المراد بالمعلوم» وجود دارد که در گزارش مصحح از این نسخه حذف شده است.

۲. ص ۴۶، س ۱۷: «وقوله: «الذي لا يقبل القسمة في جهة من الجهات» أخرج الجسم القابل للقسمة في الجهات الثلاثة و الخطّ القابل لها في الطول، و السطح القابل لهما في الطول و العرض» ---- «... و السطح القابل لها في الطول و العرض». پرواضح است که مرجع ضمیر «ها» در «لها»، واژه «القسمة» است. بنابراین تشبیه ضمیر در «لهما» وجهی ندارد. در دو نسخه (ب) و (ج) به درستی تعبیر «لها» و در نسخه (أ) به خطا «لهما» آمده است و از آنجا که مصحح نسخه (أ) را اساس تصحیح خویش قرار داده، غافل از دو نسخه دیگر و بدون توجه به مرجع ضمیر در «لهما» مرتکب این خطا شده است.

۳. ص ۴۹، س ۱۱: «إِنَّ الجواهر إذا ائتلفا صارا جسمين لأنّ التآليف عرض قائم بكلّ واحد من جوهريين» ---- «إِنَّ الجوهريين إذا ائتلفا صارا جسمين لأنّ التآليف عرض قائم بكلّ واحد من الجوهريين». بر اساس قاعده «تطابق ضمیر و مرجع ضمیر از جهت افراد، تشبیه و جمع» در زبان عربی، ضبط کلمه «الجواهر» به صورت مفرد صحیح نیست؛ زیرا این کلمه مرجع ضمیر تشبیه در «ائتلفا» و «صارا» است و می بایست مطابق آنچه در هر سه نسخه این اثر آمده، به صورت مثنی، یعنی «الجوهريين» ضبط می شد. گفتنی است از عبارت «إذا ائتلفا» تا «من الجوهريين» در نسخه (أ) ساقط شده است و مصحح این عبارت را به نقل از دو نسخه دیگر با قراردادن در میان دو قلاب و گزارش در پاورقی به متن افزوده است. هر چند در این امر به دو خطا گرفتار شده است. نخست آنکه واژه «الجوهريين» در پایان عبارت را به صورت «جوهريين» ضبط و دوم اینکه افتادگی نسخه (أ) را از «إِنَّ» تا «من» ثبت کرده است.

۴. ص ۷۱، س ۱۰: «و هذا الدليل يتوقف على أربعة مقدمات» ---- «و هذا الدليل يتوقف على أربع مقدمات».

۵. ص ۸۴، س ۱۰: «و الأول كالحركتان المتحدتان في الجنس» ---- «و الأول كالحركتين المتحدتين في الجنس». با وجود اینکه در نسخه (ب) عبارت به شکل صحیح آمده، چنانچه تعجیل در مقابله نسخ رخ نمی داد، چه بسا چنین خطایی رخ نمی نمود.

۶. ص ۸۴، س ۱۳: «فإنّ حركة الحجر قسراً و حركة الباب طبعاً إلى فوق غير متضادّين» ---- «و حركة النار طبعاً إلى فوق غير متضادّين».

۷. ص ۹۲، س ۱۲: «ثمّ إنّ المركّبات لما كانت مركّبة من أجسام مختلفة في اللطافة و الكثافة، و كلّ ما كان ألطف كان أقبل للخفة من الحرارة، فإنّ الهواء أسرع قبولاً لذلك من الماء الذي هو أسرع فيه من الأرض» ---- «و كلّ ما كان ألطف كان أقبل للخفة من الحرارة». عبارت «فإنّ الهواء أسرع قبولاً...» شاهدهی است بر اینکه ضبط صحیح، «أقبل» است، نه «أقلّ». در همه نسخه ها نیز «أقبل» آمده است.

۸. ص ۱۰۸، س ۲: «ثمّ العلوم إمّا أن تكون حسية و هي العلوم الحاصلة بواسطة الحواس، أو عقلية و هو إمّا أن يكون طرفا القضية بأن يكون تصوّرها كافيّاً في الحكم أو لا» ---- «بأن يكون تصوّرها كافيّاً

فی الحکم اولاً. ضمیر «هما» به «طرفا القضية» راجع است و مطابق نسخه های اثر «تصوّرها» ضبط صحیح است. عبارت بعدی متن نیز مؤید این ضبط است: «والأول إما أن يكون الطرفان علّة فی الحکم ... والثانی إما أن لا يكون تصوّر الطرفين كافياً فی الحکم...».

۹. ص ۱۰۹، س ۷: «لأنّ العلم بسببیتة المسبّب وإن لن تعرف ماهیته یکفی فی العلم بوجود المسبّب»  
---- «لأنّ العلم بسببیتة السبّب، وإن لم تعرف ماهیته یکفی فی العلم بوجود المسبّب».

۱۰. ص ۱۱۱، س ۷: «أقول: المحققون علی أنّ العلم لا یحدّد، ثمّ اختلفوا فقیل: لعشرة. وقیل: لاستلزام تحدیده الدور» ---- «فقیل: لعسره. وقیل: لاستلزام تحدیده الدور». این عبارت بیان می کند که از نظر محققان، «علم» تحدید و تعریف نمی شود و در علت عدم تحدید علم اختلاف نظر وجود دارد. برخی علت آن را دشواری و عُسر تحدید علم می دانند و عده ای آن را مستلزم دور می خوانند. مصحح محترم به جای ضبط صحیح «لعسره»، آن را به اشتباه «لعشرة» ثبت کرده است که با توجه به متن، این ضبط معنای محصلی ندارد. چه بسا آنچه سبب این اشتباه شده، بی توجه به شیوه کاتب نسخه (ب) در کتابت حرف «سین» باشد. آنچه از مقایسه کلمات دارای حرف «سین» در نسخه (ب) به دست می آید این است که کاتب در بسیاری از موارد، روی این حرف علامتی گذاشته است تا از این طریق تشخیص آن کلمه برای خواننده سهل شود، اما متأسفانه مصحح بدون توجه به شیوه کتابت کاتب، آن علامت را نقطه های حرف «سین» تصور و این واژه را «لعشرة» ضبط کرده است. تعجب اینجاست که این کلمه در نسخه (أ) که نسخه اساس در تصحیح مصحح محترم بوده، به صورت کاملاً روشن «لعسره» است. شبیه این خطا در جای دیگری نیز تکرار شده است:

ص ۳۵۴، س ۵: «لولم یکن الثواب والعقاب دائمین لوجب أن یكون المثاب فی ألم لعلمه بانقطاعه و لوجب أن یكون المعاقب فی شرور لعلمه بذلك أيضاً، وذلك ینافی صفتیهما الواجبة لهما» ---- «لوجب أن یكون المعاقب فی سرور». این عبارت به مسئله «دوام ثواب و عقاب» اشاره دارد و گویای آن است که اگر ثواب و عقاب دائمی نباشد و موقت و منقطع باشد، لازم است شخص مثاب در آلم و رنج باشد؛ زیرا (طبق فرض) ثوابش دائمی نبوده و او علم به انقطاع ثواب دارد و نیز لازم می شود شخص معاقب در سرور و شادمانی باشد؛ زیرا (طبق فرض) عقابش همیشگی نبوده و او علم به انقطاع عقاب دارد، در حالی که از ویژگی های ثواب و عقاب این است که خالص از هر شائبه ای باشد، یعنی در ثواب هیچ شائبه ای از رنج و آلم و در عقاب هیچ شائبه ای از سرور و شادمانی نباشد. با این توضیح روشن می شود که ضبط صحیح، «سرور» است، نه «سرور».

۱۱. ص ۱۳۶، س ۴: «كَلّ معقولین إمّا أن یتساویان فی تمام الماهیة أولاً» ---- «كَلّ معقولین إمّا أن یتساویا فی تمام الماهیة أولاً». کلمه «یتساویان» پس از حرف «أن» قرار گرفته است و باید منصوب به حذف «نون» باشد که در این صورت، شکل درست ضبط آن «یتساویا» است. این عبارت در نسخه

(أ) و (ب) به شکل صحیح «أن يتساويا» آمده است، البته در نسخه (ج) حرف «أن» نیامده و فعل «یتساویان» بدون «نون» به صورت ناصحیح «إمّا يتساويا في... أو لا» کتابت شده است. مصحح محترم بدون اشاره به اختلاف نسخه‌ها، گویا بین این نُسخ جمع کرده و به ترکیب نادرست «أن يتساویان» رسیده است!

۱۲. ص ۱۴۱، س ۲: «و حينئذٍ لا يبقى الامتياز بينهما فيصير الإتيان واحداً و هو محال» ---- «فيصير الأثنان واحداً». با توجه به معنای عبارت، تعبیر «الإتيان» معنای محصلی ندارد و ضبط صحیح، «الأثنان» است. جدا از معنا، اهتمام به ضبط دقیق نسخه‌ها نیز می‌توانست مانع از بروز این خطا باشد؛ چراکه در نسخه (ب) هر چند حرف «ث» بدون نقطه کتابت شده، نقطه حرف «ن» قرار داده شده است که این امر از اشتباه شدن کلمه «الأثنان» با «الاتيان» جلوگیری می‌کند.

۱۳. ص ۱۵۰، س ۱۷: «لو اجتمع على المعلول الشخصي علتان لكان مستغنياً عنهما حال الحاجة إليها، والتالي باطل، فالمقدم مثله» ---- «حال الحاجة إليها». هم مطابق نسخ اثر و هم با توجه به ادامه عبارت، روشن است که به جای «إليها»، ضبط «إليهما» صحیح است. ادامه عبارت چنین است: «بيان الشرطية: أنه بالنظر إلى كل واحد منهما يكون واجباً، فيستغني عن الآخر، فيكون حال الحاجة إليهما مستغنياً عنهما، هذا خلف».

۱۴. ص ۱۵۸، س ۱۷: «وإمّا أن يكون موجوداً أي: يكون بعض أفراده موجوداً في الخارج» ---- «يكون بعض أفراده موجوداً في الخارج». در نسخه اساس و مطابق با قواعد زبان عربی به جای کلمه «موجوداً» واژه «موجوداً» آمده است و وجه عدول مصحح از آن و درج ضبط نادرست «موجوداً» روشن نیست. شبیه این خطای اعرابی در صفحات دیگری از ویراست ارائه شده نیز مشاهده می‌شود:

ص ۱۴۲، س ۱۳: «ثمّ الأجناس قد تتصاعد فيكون الواحد بالجنس إمّا واحد بالجنس القريب» ---- «إمّا واحداً بالجنس القريب».

ص ۱۶۳، س ۷: «بيان الملازمة: أنه لو كان ممكناً لافتقر إلى مؤثر» ---- «لو كان ممكناً لافتقر».

ص ۱۹۱، س ۱۸: «لكان إخبار عن السابق على الأزل» ---- «لكان إخباراً».

ص ۳۲۲، س ۱۶: «وإذا كان إنكار المنكر مؤدّي إلى ذلك صار مؤدّياً إلى وقوع المنكر» ---- «مؤدّياً إلى وقوع المنكر».

۱۵. ص ۱۶۵، س ۱: «وقد ثبت قدم الباري تعالى و هو موجود العالم فإمّا أو يوجد لذاته من غير توقّف على شرط أو لا» ---- «و هو موجد العالم فإمّا أن يوجد». معنای عبارت به روشنی گویای آن است که ضبط صحیح در اینجا «موجد» است، نه «موجود». قراردادن «أو» به جای «أن» در «أن يوجد» نیز وجهی ندارد.

۱۶. ص ۱۸۴، س ۹: «لو كان باقياً ببقاء لزم التسلسل، فإنَّ البقاء باقياً أيضاً» ---- «فإن البقاء باقياً أيضاً». مصحح محترم عبارت «فإنَّ البقاء باقياً أيضاً» را به نقل از نسخه (ج) به متن افزوده و به شکل ناصحیح «باقياً» ضبط کرده است، هر چند این واژه در نسخه (ج) به صورت صحیح آمده است. شبیه این خطا در مواضع دیگری نیز دیده می شود، مانند:

ص ۲۰۸، س ۱۰: «ولا شكَّ في أنَّ هذه التعقّلات أموراً عارضة لذاته تعالى» ---- «أنَّ هذه التعقّلات أمورٌ عارضة». کلمه «أموراً» در جمله یادشده خبر برای «أنَّ» است و باید مرفوع باشد. بر این اساس همان طور که در نسخه (ب) و (ج) نیز آمده، این کلمه باید به شکل «أمورٌ» ضبط شود.

ص ۲۴۰، س ۱۶: «فإنَّها وإن كان المكلف معها أقرب إلى الطاعة وأبعد عن المعصية إلا أنَّ لها حظَّ في التمكين» ---- «إلا أنَّ لها حظَّاً في التمكين». «حظَّ» اسم مؤخَّر «أنَّ» است و طبق قواعد زبان عربی باید منصوب باشد. هر چند در نسخه (أ) که نسخه اساس در تصحیح حاضر است و نیز در نسخه (ج) این کلمه به صورت درست کتابت شده، اما شکل ناصحیح این واژه مطابق کتابت نادرست نسخه (ب) در متن قرار داده شده است.

۱۷. ص ۱۸۴، س ۱۲: «والتالي بأقسامه باطلة فالمقدّم مثله» ---- «والتالي بأقسامه باطل فالمقدّم مثله».

۱۸. ص ۱۸۹، س ۱۶: «واعلم أنَّ الجبائين قالوا: إرادته تعالى مماثلة لإرادتنا في الماهية مع كون إرادته تمنع أن توجد في محلّ، فتكون إرادتنا تمتنع أن لا تكون في محلّ مع إيجادها في الماهية النوعية» ---- «مع كون إرادته تمنع أن توجد ... مع اتحادهما في الماهية النوعية».

۱۹. ص ۱۹۹، س ۱۷: «وهي أيضاً نهاية امتداد الإشارة الحسيّة من المسمير إليها» ---- «وهي أيضاً نهاية امتداد الإشارة الحسيّة من المسمير إليها».

۲۰. ص ۲۰۶، س ۷: «ولأنَّه حال الاتّحاد إن بقيا موجودين فهما اثنان لا واحد، وإن صارا معدومين فلم يتّحدا، لأنَّه لا يعقل اتّحاد المعدوم بالمعدوم. وإن عدم أحدهما ونفي الآخر فلم يتّحدا، لأنَّ المعدوم لا يتّحد بالموجود» ---- «وإن عدم أحدهما وبقي الآخر فلم يتّحدا». در این عبارت درباره «نفي اتّحاد خداوند با غیر خود» استدلال شده است، به این شکل: اگر خداوند با غیر خود متحد شود، در حال اتّحاد یکی از این سه فرض متصور است: یا هر دو مانند حالت پیش از اتّحاد، موجودند که در این صورت دو چیزند نه یک چیز و اتّحادی صورت نگرفته است یا هر دو معدوم شده اند که در این فرض نیز اتّحادی محقق نشده است؛ زیرا اتّحاد معدوم با معدوم معقول نیست یا یکی معدوم و دیگری باقی موجود است که در این حالت نیز اتّحادی حاصل نشده است؛ زیرا معدوم با موجود متحد نمی شود. عبارت «وإن عدم أحدهما وبقي الآخر» ناظر به فرض سوم است که یکی معدوم و دیگری باقی و

موجود است. بنابراین ضبط صحیح «بقی» است، نه «نقی».

۲۱. ص ۲۱۸، س ۸: «وإتّما تصدر عنه الأفعال على وجه الكمال، فاحتيج إلى معرفة الحسن والقبح وكونهما علّتين، فابتدأ بهما» ---- «فاحتجّ إلى معرفة الحسن والقبح وكونهما عقلّيتين». بحث در اینجا درباره عدل الهی و مسئله «حسن و قبح عقلی» است، از این رو تعبیر «عقلّيتين» صحیح است، نه «علّتين».

۲۲. ص ۲۳۰، س ۱: «و بالجمله لا تتمّ البراهین الآتیة على المطلوب؛ لأنها استدلال بالمعلول على العلة» ---- «البراهین الآتیة على المطلوب». عبارت «لأنها استدلال بالمعلول على العلة» به روشنی گویای آن است که تعبیر «البراهین الآتیة» ضبط صحیح متن است؛ زیرا برهانی که در آن از معلول به علت استدلال می شود، «برهان آتی» خوانده می شود.

۲۳. ص ۲۳۲، س ۸: «سواء كانت طاعة أو معصية أو غيرها» ---- «سواء كانت طاعة أو معصية أو غيرها».

۲۴. ص ۲۴۹، س ۱: «وردّ عليهما السيد المرتضى رحمه الله بأن الإنصاف واجب» ---- «بأن الانتصاف واجب».

۲۵. ص ۲۶۰، س ۳ و ۴: «أفعال الأنبياء لا تخلو من أربعة: أحدهما: الاعتقاد الديني. و ثانيهما: الفعل الصادر عنهم من الأفعال الدينية. و ثالثها... و رابعها...» ---- «أحدها... ثانيها...». مرجع ضمیر «ها» در «أحدها... ثانيها... ثالثها... رابعها» کلمه «أربعة» است و در تمام نسخه ها نیز ضمیر به شکل مفرد مؤنث کتابت شده است. بنابراین ضبط «أحدهما» و «ثانيهما» وجهی ندارد.

۲۶. ص ۲۹۰، س ۱۲: «و الأولى تدلّ عليها دلائل كثيرة نذكر منها واحد للاختصار» ---- «نذكر منها واحد للاختصار». همان طور که در دو نسخه (أ) و (ج) آمده، ضبط صحیح در این عبارت «واحداً» است که مفعول به برای فعل «نذكر» و منصوب است. روشن نیست چرا مصحح محترم از شکل صحیح این کلمه عدول و آن را به صورت نادرست «واحد» (مطابق نسخه (ب)) ثبت کرده است.

۲۷. ص ۳۳۱، س ۹: «المنع من مساواة أجزاء العلم لكّله في الماهية على تقدير مساواتهما في التعلق بكّل العلوم» ---- «في التعلق بكّل المعلوم».

۲۸. ص ۳۳۶، س ۱۰: «فسبب عدمه أنّ الله تعالى لا يحدّد وجوده» ---- «لا يحدّد وجوده». علاوه بر نسخه های اثر، معنای عبارت نیز مؤید ضبط «لا يحدّد» است.

۲۹. ص ۳۳۷، س ۱: «إنّ الله تعالى إذا أراد عدم العالم أو عدمه ابتداءً إمّا بقوله: أفن فيفنى، كما قال له:

کن فکان، أو غیر ذلك» ---- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ عَدَمَ الْعَالَمِ أَعَدَمَهُ ابْتِدَاءً». مصحح بدون توجه به ضبط صحیح دو نسخه (أ) و (ج)، ضبط نادرست «أو عدمه» را مطابق نسخه (ب) در متن قرار داده است (بدون اشاره به اختلاف نسخ)، در حالی که معنای عبارت به روشنی گویای عدم صحت تعبیر «أو عدمه» است.

۳۰. ص ۳۴۱، س ۶: «فإن كان الأول فلم لا يجوز مثله، ثم. وإن كان الثاني فلا منافاة بين التكليف والإلجاء، فكذا تم» ---- «فإن كان الأول فلم لا يجوز مثله ثم. وإن كان الثاني فلا منافاة بين التكليف والإلجاء، فكذا تم».

۳۱. ص ۳۵۶، س ۴: «وقوله: «لَيْسَ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ» إشارة إلى المستقبل؛ لأنه شرط و جوابه، و هما لا يكونان إلا مستقبليين» ---- «و هما لا يكونان إلا مستقبليين».

۳۲. ص ۳۵۷، س ۱۸: «الثاني: الثواب والعقاب إما أن يكونا متنافيين أو لا، والثاني يفيد المطلوب؛ لأنهما إذا لم يكونا متنافيين استحال أن ينفي أحدهما الآخر، وإن كانا متساويين استحال أيضاً أن ينفي أحدهما الآخر» ---- «وإن كانا متنافيين استحال أيضاً أن ينفي أحدهما الآخر». عبارت فوق دومین دلیل برای نفی احباط و تکفیر است. این دلیل در دو فرض تنافی و عدم تنافی ثواب و عقاب مطرح شده است. نویسنده برای اثبات مدعای خود ابتدا به توضیح فرض عدم تنافی پرداخته: «والثاني يفيد المطلوب لأنهما إذا لم يكونا متنافيين...»، سپس فرض تنافی را بیان کرده است: «وإن كانا متنافيين...». بنابراین تعبیر «متساویین» به جای «متنافیین» نه تنها مناسبیتی با متن ندارد، بر خلاف مقصود نویسنده است.

۳۳. ص ۳۶۶، س ۳: «شفاعته إما أن تكون في إسقاط المضار أو في زيادة المنافع أو فيها جميعاً» ---- «أو فيهما جميعاً». معنای عبارت چنین است: «شفاعت پیامبر اکرم یا در ساقط کردن ضرر و زیان ها یا در فزونی منافع یا در هر دو مورد است»، بنابراین ضبط «فيهما» صحیح است.

#### ۳-۶. سقط و افتادگی کلمات و عبارات

حذف یا از قلم افتادگی کلمات و عبارات متن تصحیح شده معراج الیقین از جمله نابسامانی هایی است که موجب نارسایی و گاه نادرستی متن شده است. برخی از این افتادگی ها که از مقابله و ویراست عرضه شده معراج الیقین با نسخه های این اثر نمایان شده به شرح زیر است:

ردیف	صفحه / سطر	ضبط ناقص متن تصحیح شده	ضبط کامل	کلمه یا عبارت افتاده
۱	ص ۳۷ / س ۱۳	ولا شك أنه مخالف لها	ولا شك في أنه مخالف لها	في
۲	ص ۸۱ / س ۳	وهذا قول المتكلمين	وهذا لم يشمل الجوهر الفرد و لا الخط ولا السطح على قول المتكلمين	لم يشمل الجوهر الفرد و لا الخط و لا السطح على
۳	ص ۸۷ / س ۱۰	أشدّ بياضاً ممّا قبل السلق	أشدّ بياضاً ممّا كان قبل السلق	كان
۴	ص ۸۷ / س ۱۷	أن تكون معلولة لذات ذلك جسم	أن تكون معلولة لذات ذلك الجسم	ال
۵	ص ۱۱۸ / س ۵	إذا نشأ ورأى النعمة عليه	إذا نشأ ورأى آثار النعمة عليه	آثار
۶	ص ۱۲۶ / س ۱۵	الثاني أنه انطباع صورة المرئي في العين	الثاني أنه لانطباع صورة المرئي في العين	ر
۷	ص ۱۳۶ / س ۶	لا يجتمعان في شيء واحد في زمان	لا يجتمعان في شيء واحد في زمان واحد	واحد
۸	ص ۱۴۰ / س ۶	الحق أنه لا وجود لها	الحق أنه لا وجود لها في الخارج	في الخارج
۹	ص ۱۴۹ / س ۱۵	وإما أن يكون لأجله الوجود	وإما أن يكون الذي لأجله الوجود	الذي
۱۰	ص ۱۶۳ / س ۱۲	فإما أن ينتهي إلى الأول	فإما أن ينتهي إلى الأول أو لا	أو لا
۱۱	ص ۱۶۴ / س ۱۵	والتالي باطل، فالمقدّم	والتالي باطل، فالمقدّم مثله	مثله
۱۲	ص ۱۶۵ / س ۱۶	احتجّت الفلاسفة على أن تعالی موجب	احتجّت الفلاسفة على أنه تعالی موجب	هـ
۱۳	ص ۱۷۰ / س ۱۷	إنّما إذا لم يقم مقامه سبب آخر	إنّما يجب إذا لم يقم مقامه سبب آخر	يجب
۱۴	ص ۱۷۶ / س ۹	إنّ معنى كونه حياً أنه قادر	إنّ معنى كونه حياً أنه قادر عالم	عالم
۱۵	ص ۱۸۰ / س ۱۴	فالمعتزلة على أن تعالی أوجد	فالمعتزلة على أن معناه أنه تعالی أوجد	معناه أنه
۱۶	ص ۱۸۲ / س ۷	فلو أثبتنا كونه تعالی متكلماً لزم الدور	فلو أثبتنا كونه تعالی متكلماً به لزم الدور	به
۱۷	ص ۱۸۴ / س ۳	ذهب أبو الحسن الأشعري إلى الأول	ذهب أبو الحسن الأشعري و أتباعه إلى الأول	و أتباعه
۱۸	ص ۲۰۱ / س ۱۶	كونه تعالی في جهة: الرحمن على العرش استوى	كونه تعالی في جهة كقوله تعالی: الرحمن على العرش استوى	كقوله تعالی
۱۹	ص ۲۱۳ / س ۱۳	كان من وقع هو الإله	كان من وقع مراده هو الإله	مراده



ردیف	صفحه / سطر	ضبط ناقص متن تصحیح شده	ضبط کامل	کلمه یا عبارت افتاده
۲۰	ص ۲۲۲ / س ۱۰	فاختفی عند إنسان، و سُئل ذلك الإنسان عن النبي	فاختفی عند إنسان، فجاء ذلك الظالم و سأل ذلك الإنسان عن النبي	فجاء ذلك الظالم
۲۱	ص ۲۲۴ / س ۲	وهو لا ينقلب حسناً	وهو لا ينقلب حسناً ومنه يخلص	ومنه يخلص
۲۲	ص ۲۳۰ / س ۸	يحصل تارةً ولا يحصل أخرى	يحصل الفعل تارةً ولا يحصل أخرى	الفعل
۲۳	ص ۲۶۳ / س ۹	كان قولنا: «الإتيان خارق للعادة» أولى	كان قولنا: «الإتيان بخارق للعادة» أولى	ب
۲۴	ص ۲۷۹ / س ۱	إلى أنها واجبة	إلى أنها غير واجبة	غير
۲۵	ص ۲۸۸ / س ۶	يجب أن يكون منصوباً عليه.	يجب أن يكون معصوماً فيجب أن يكون منصوباً عليه.	معصوماً فيجب أن يكون
۲۶	ص ۳۱۳ / س ۳	حيث تقررت الصغرى وهو أنه أفضل فنقول	حيث قد تقررت الصغرى وهو أنه أفضل فنقول	قد
۲۷	ص ۳۱۹ / س ۱۲	وقد يجبان باليد عند شرائط	وقد يجبان باليد و اللسان عند شرائط	و اللسان
۲۸	ص ۳۲۲ / س ۹	ولا يؤمن أن يكون ما اعتقده منكراً معروفاً	ولا يؤمن أيضاً أن يكون ما اعتقده منكراً معروفاً	أيضاً
۲۹	ص ۳۳۳ / س ۸	من الإمكان إلى الامتناع الذاتي	من الإمكان الذاتي إلى الامتناع الذاتي	الذاتي
۳۰	ص ۳۳۴ / س ۱۰	والثاني وهو أن يكون محال العدم	والثاني وهو أن لا يكون محال العدم	لا
۳۱	ص ۳۳۹ / س ۸	ترجيح أحد الأرضين المكانين	ترجيح أحد الأرضين بأحد المكانين	بأحد
۳۲	ص ۳۵۳ / س ۱۵	وكل ما كان كذلك كان أدخل في باب الوجوب	وكل ما كان كذلك كان أدخل في باب اللطف فيكون اللطف فيكون الوجوب	أدخل في باب اللطف فيكون
۳۳	ص ۳۶۶ / س ۶	فلاؤه كانت الشفاعة مشتركة	فلاؤه إذا كانت الشفاعة مشتركة	إذا

### ۷-۳. افزودن کلمات غیر موجود در نسخ به متن اثر

در برخی از قسمت های متن تصحیح شده معراج الیقین کلمه یا کلماتی به متن افزوده شده است، بدون آنکه در نسخه های اثر نشانی از آن کلمه یا کلمات بتوان یافت. در مواضعی که افزودن کلمه یا

کلماتی به متن ضرورت یا رجحان داشته باشد، لازم است با قرارداد در میان دو قلاب و ذکر در پاورقی به این زیادت اشاره شود تا میان سخن نویسنده و آنچه مصحح به متن افزوده تمایز حاصل شود که متأسفانه نسبت به این امر غفلت شده است. شماری از این موارد در جدول زیر مشاهده می‌شود:

ردیف	صفحه / سطر	متن تصحیح شده معراج الیقین	متن نسخه‌های معراج الیقین	کلمه افزوده شده
۱	ص ۷۰ / س ۷	و ذهب البغدادیون من المعتزلة إلى أنّ امتناع خلّوها عن الألوان	و ذهب البغدادیون من المعتزلة إلى أنّ امتناع خلّوها عن الألوان	أَنَّ
۲	ص ۱۱۷ / س ۷	معلوم من وجه و مجهول من وجه آخر	معلوم من وجه و مجهول من وجه	آخر
۳	ص ۱۴۵ / س ۲	والقديم هو الذي يفسر بأمرين	والقديم هو الذي يفسر بأمرين	هو الذي
۴	ص ۱۵۴ / س ۵	فتأثير ذلك الشيء صادراً في العدم	فتأثير ذلك الشيء صادراً في العدم	صاحباً
۵	ص ۱۶۶ / س ۱۵	و تقريره المنع	و تقريره المنع	هـ
۶	ص ۱۷۳ / س ۹	وإنما تعدم بين الإضافة إليهما	وإنما تعدم بين الإضافة إليهما	بين
۷	ص ۲۳۲ / س ۵	أنه تعالى إنما يريد الطاعات ويكره المعاصي	أنه تعالى إنما يريد الطاعات ويكره المعاصي	إنّما
۸	ص ۲۴۳ / س ۱	إن كان من فعل غيرهما لم يجز لله أن يكلفه	إن كان من فعل غيرهما لم يجز لله أن يكلفه	لله
۹	ص ۲۵۳ / س ۱۹	رخص سعره في الجبال المعتادة	رخص سعره في الجبال المعتادة	المعتادة
۱۰	ص ۲۹۲ / س ۶	لو كان هذا متواتراً لأفادنا العلم	لو كان هذا متواتراً لأفادنا العلم	هذا
۱۱	ص ۲۹۶ / س ۱	أن ذلك البعض هو علي بن أبي طالب	أن ذلك البعض هو علي بن أبي طالب	بن أبي طالب
۱۲	ص ۳۱۴ / س ۱۰	عدم القول باماتهم خرق للإجماع	عدم القول باماتهم خرق للإجماع	لـ
۱۳	ص ۳۱۴ / س ۱۳	على كلّ واحد واحد منهم	على كلّ واحد واحد منهم	كُلّ
۱۵	ص ۳۲۶ / س ۱۱	إنّ النفس جوهر مجرد و ليس بجسم	إنّ النفس جوهر مجرد و ليس بجسم	و
۱۶	ص ۳۳۲ / س ۱۱	فيكون وقت إعادته هو بعينه وقت ابتدائه فيكون هو مبتدأ	فيكون وقت إعادته هو بعينه وقت ابتدائه فيكون هو مبتدأ	هو
۱۷	ص ۳۳۶ / س ۲	بأنّ الهلاك المراد به هو الخروج عن الانتفاع	بأنّ الهلاك المراد به هو الخروج عن الانتفاع	هو
۱۸	ص ۳۴۳ / س ۱۶	إنّما يتمّ ذلك بعلمه بالأجزاء و تناسبها	إنّما يتمّ ذلك بعلمه بالأجزاء و تناسبها	ذلك
۱۹	ص ۳۴۵ / س ۱۶	الثاني: أنّ الإنسان إذا أكل إنساناً مثله	الثاني: أنّ الإنسان إذا أكل مثله	إنساناً

### ۸-۳. تصرف در کلمات و عبارات نُسَخ و تغییر دادن آنها

از جمله مواردی که ارزش علمی تصحیح معراج الیقین را خدشه دار می‌کند، تصرف‌های ناصحیح و تغییر دادن کلمات و عبارات متن از سوی مصحح است. این تغییر که در بعضی از موارد مخل صحت متن نیز شده، گاه به صورت پیش و پس شدن کلمات و گاه به شکل جایگزین شدن کلمات و عبارات دیگر به جای کلمات و عبارات موجود در نسخه‌های اثر نمایان شده است. متأسفانه مصحح هیچ اشاره‌ای به این تغییرات نکرده و مشخص نیست بر چه مبنایی به این کار اقدام کرده است. در ادامه برخی از این موارد را گزارش می‌کنیم. در هر مورد ابتدا آنچه در ویراست معراج الیقین آمده ذکر و پس از آن، کلمه یا عبارت موجود در نُسَخ اثر بیان می‌شود:

۱. ص ۳۷، س ۴: «فإما أن يكون له تحقّق بوجه ما» ---- «فإما أن يكون له تحقّق بوجه ما».
۲. ص ۶۴، س ۱۳: «فأثبتته أكثر المتكلمين و بعض القدماء و نفاه أكثر الحكماء» ---- «فأثبتته أكثر المتكلمين و بعض قداماء الحكماء و نفاه أكثر الحكماء».
۳. ص ۷۴، س ۱۰: «احتجّ المصنّف على جواز بوجهين» ---- «احتجّ المصنّف على الجواز بوجهين».
۴. ص ۹۲، س ۱۰: «و من خواص الحرارة أن من شأنها إفادة الميل المتصدّد بواسطة التحرّك» ---- «بواسطة التحرّك».
۵. ص ۹۳، س ۱۷: «لم يبلغ في الكثرة إلى حدّ الاحتراق و لافي القلّة على حيث يبقى المركّب معه» ---- «و لافي القلّة إلى حيث يبقى المركّب معه».
۶. ص ۱۱۷، س ۷: «و جوابه: أن المطلوب معلوم من وجه و مجهول من وجه» ---- «و الجواب: أن المطلوب معلوم من وجه و مجهول من وجه».
۷. ص ۱۲۷، س ۱۱: «لَمَّا بَيَّنَّ المذهبين في الإبصار و إبطالهما ذكر ما هو المختار عنده» ---- «لَمَّا بَيَّنَّ المذهبين في الإبصار و أبطالهما».
۸. ص ۱۵۰، س ۶: «فإنّها ليست علّة للتبريد» ---- «فإنّها ليست علّة في التبريد».
۹. ص ۱۵۶، س ۹: «فيلزم الدور بمرتبة واحدة أو لمراتب» ---- «فيلزم الدور بمرتبة واحدة أو بمراتب».
۱۰. ص ۱۶۲، س ۸: «و يستلزم منه الدور أو التسلسل» ---- «و يلزم منه الدور أو التسلسل».
۱۱. ص ۱۶۹، س ۷: «و تمام التحقيق ذكره المصنّف في كتاب نهاية المرام» ---- «و تمام تحقيق ذلك ذكره».
۱۲. ص ۱۷۳، س ۶: «و تقريره: أنه إذا علم كون زيد في الدار» ---- «و تقريره: أنه لو علم كون زيد في الدار».

۱۳. ص ۱۸۶، س ۱۱: «إِذَا تَقَرَّرَ هَذَا فَنَقُولُ» ---- «إِذَا تَقَرَّرَ ذَلِكَ فَنَقُولُ».
۱۴. ص ۲۲۳، س ۹: «و الجواب عن الأول بالمنع من الصغرى و هو عدم تفاوت الضروريات بجواز تفاوتها» ---- «لجواز تفاوتها».
۱۵. ص ۲۲۸، س ۶: «لأنَّ العقلاء إنما يذمّون العبد و يمدحونه إذا عرفوا بأنه فاعل» ---- «أو يمدحونه».
۱۶. ص ۲۴۰، س ۱۵: «و قولنا: «و لم يكن له حظّ في التمكين» كالفصل يخرج عنه الآلات» ---- «يخرج به الآلات».
۱۷. ص ۲۴۴، س ۷: «و أمّا ما هو من فعله تعالى فإمّا أن يكون من جهة الاستحقاق كالعقاب أو على جهة الابتداء كالآلام» ---- «يكون على جهة الاستحقاق».
۱۸. ص ۲۶۵، س ۱: «أَنَّ الله تعالى سلبهم العلوم التي كانوا بها يتمكّنون من معارضة القرآن» ---- «كانوا يتمكّنون بها».
۱۹. ص ۲۶۵، س ۷: «إمّا أن يكون معجزاً من حيث ألفاظه المفردة أو تركيبه أو هما معاً» ---- «أو هما جميعاً».
۲۰. ص ۲۶۵، س ۸: «أَن يكون جهة إعجازه غير الصرفة» ---- «أَن يكون جهة الإعجاز غير الصرفة».
۲۱. ص ۲۹۱، س ۱۰: «ذلك إمّا أن يكون تفضيلاً أو باستحقاق منهم لذلك» ---- «يكون تفضيلاً».
۲۲. ص ۳۱۰، س ۳: «على وفق حكم الشرع» ---- «على وفق حكمة الشرع».
۲۳. ص ۳۱۱، س ۱۱: «و نزل فيه قوله تعالى» ---- «حتى نزل فيه قوله تعالى».
۲۴. ص ۳۱۱، س ۱۲: «و تصدّق بجميع ما معه عدّة مرار و لم يخلف مالاً أصلاً» ---- «و تصدّق بجميع ماله عدّة مرار».
۲۵. ص ۳۱۵، س ۱۳: «أما أنه خائف على نفسه فظاهر» ---- «أما أنه خاف على نفسه فظاهر».
۲۶. ص ۳۱۷، س ۱۱: «لأنَّ عند المصتف أن العلوّ ليس شرطاً في الأمر» ---- «ليس بشرط في الأمر».
۲۷. ص ۳۲۰، س ۶: «فكذلك هنا» ---- «فكذا هنا».
۲۸. ص ۳۳۶، س ۱۲: «و الأول مذهب الأشاعرة و البغداديين من المعتزلة» ---- «و الأول مذهب الأشعرية».
۲۹. ص ۳۴۳، س ۱: «فذهبت الفلاسفة: على نفيه» ---- «فذهبت الفلاسفة إلى نفيه».
۳۰. ص ۳۴۳، س ۱۲: «أما الثانية فلأنّنا إمّا أن نقول بتفرّق أجزاء البدن و عند الإعادة يجمعها» ---- «ثم عند الإعادة يجمعها».

اغلاط حروف نگاشتی راه یافته در متن معراج الیقین از دیگر اشکالات تصحیح یاد شده است. نمونه هایی از این مورد در جدول زیر آمده است:

ردیف	صفحه / سطر	متن تصحیح شده معراج الیقین	صورت صحیح
۱	ص ۸۷ / س ۱۵	کیفیه	کیفیه
۲	ص ۱۴۹ / س ۱۴	إما	أما
۳	ص ۱۵۲ / س ۱۶	لمرجع	لمرّح
۴	ص ۲۲۳ / س ۱۲	الدافع	النافع
۵	ص ۲۴۴ / س ۱۳	مقابله	مقابله
۶	ص ۲۴۸ / س ۱۷	أبو هشام	أبو هاشم
۷	ص ۲۹۵ / س ۱۹	أحمد بن حبل	حنبل
۸	ص ۳۰۵ / س ۲	أتمنعنا	أتمنعنا
۹	ص ۳۵۱ / س ۷	المعنية	المعينة
۱۰	ص ۳۴۷ / س ۲	إما	أما

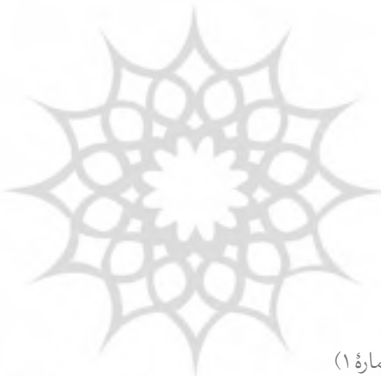
موارد ذکر شده تنها گوشه ای از اشکالات موجود در ویراست آقای طاهر السلامی از کتاب معراج الیقین است. گذشته از این موارد، در تصحیح مورد بحث خطاها و کاستی های دیگری از جمله تقطیع های نادرست و اشتباهات ویرایشی نیز مشاهده می شود که از بیان آنها صرف نظر می کنیم.

#### کتابنامه

- الأعرجی، عبد الحمید بن محمد؛ تذکره الواصلین فی شرح نهج المسترشدین؛ کربلا، العتبة العباسیة المقدّسة، ۱۴۳۶ق.
- افندی، عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ قم، خیام، ۱۴۰۱ق.
- الأمین، محسن؛ أعیان الشیعة؛ بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- جهانبخش، جویا؛ راهنمای تصحیح متون؛ تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ش.
- الحلی، الحسن بن یوسف؛ نهج المسترشدین فی اصول الدین؛ تحقیق: سیداحمد حسینی و هادی یوسفی؛ قم، مجمع ذخائر اسلامی، بی تا.
- الحلی، محمد بن الحسن؛ إیضاح الفوائد فی شرح القواعد؛ تحقیق: سیدحسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، عبد الرحیم بروجردی؛ قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
- الحلی، محمد بن الحسن؛ معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدین؛ تحقیق: طاهر السلامی؛ کربلا، العتبة العباسیة المقدّسة، ۱۴۳۶ق.
- الخونساری، محمدباقر؛ روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات؛ تحقیق: اسدالله اسماعیلیان؛ قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)؛ تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰ش.

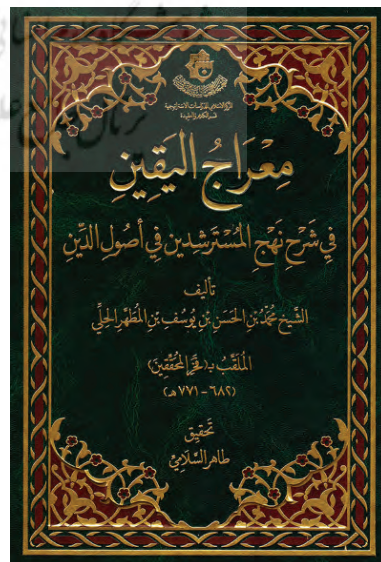
نقد و بررسی کتاب | ۲۹۰ | سال سی و دوم، شماره چهارم، مه - آبان ۱۴۰۰  
آینه پژوهش ۱۹۰۴

- ؛ فهرست واره دست نوشت های ایران (دنا)؛ ویراست دوم، مشهد، انتشارات الجواد طوس، ۱۳۹۸ ش.
- ؛ معجم المخطوطات العراقية؛ تهران، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۸ ش.
- السبحانی، جعفر؛ معجم طبقات المتكلمين؛ قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۴ ق.
- الصدر، حسن؛ تکملة أمل الأمل؛ تحقيق: محفوظ، حسينعلى، دباغ عدنان، دباغ عبدالکريم؛ بيروت، دارالمؤرخ العربي، ۱۴۲۹ ق.
- الطهراني، محمّد محسن؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة؛ گردآورنده: حسيني، احمد بن محمّد؛ بيروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
- الطهراني، محمّد محسن؛ طبقات أعلام الشيعة؛ بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۳۰ ق.
- عطائي نظري، حميد؛ «نگرشى بر نگارش هاى كلامى (۲)»: معرفى انتقادى ویراست تذکرة الواصلين فى شرح نهج المسترشدین؛ آینه پژوهش؛ شماره ۱۵۸، ۱۳۹۵ ش.
- القمی، عباس؛ الكنى و الألقاب؛ تهران، مكتبة الصدر، ۱۳۶۸ ش.
- کنورى، اعجاز حسين بن محمّد قلى؛ كشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار؛ قم، کتابخانه حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره)، ۱۴۰۹ ق.



(تصوير شماره ۲)

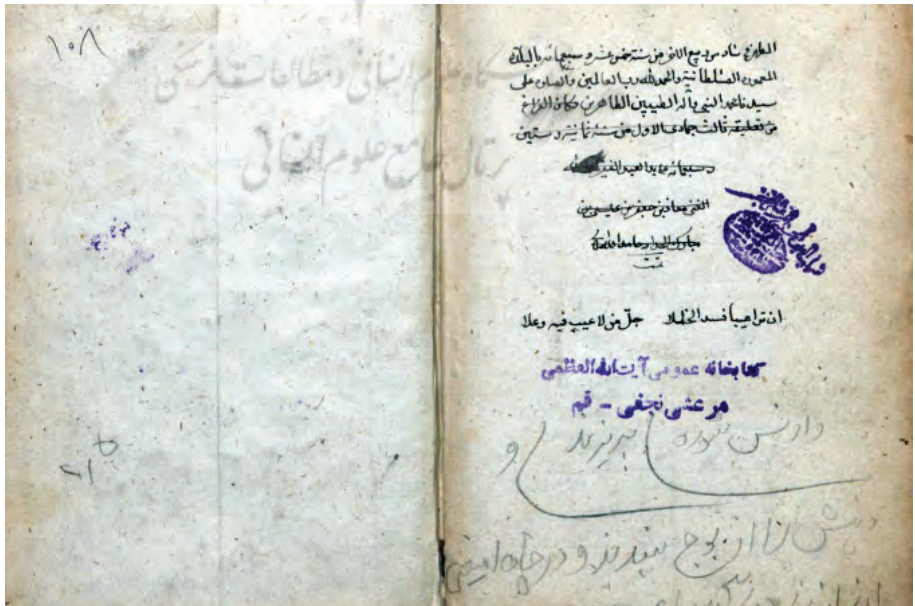
(تصوير شماره ۱)





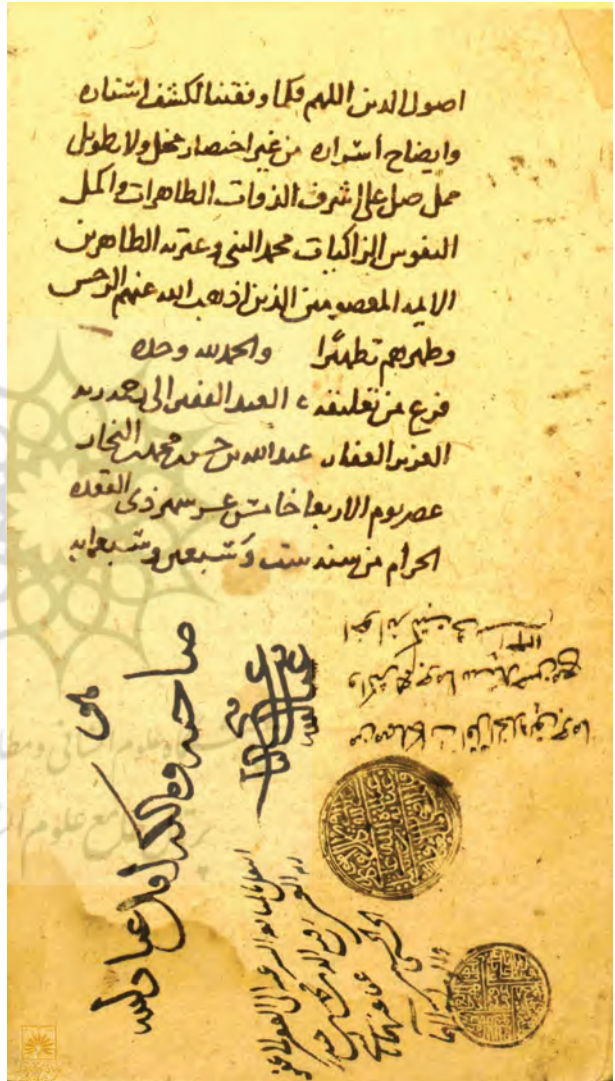
تصویر برگ اول نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی

تصویر برگ آخر نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی

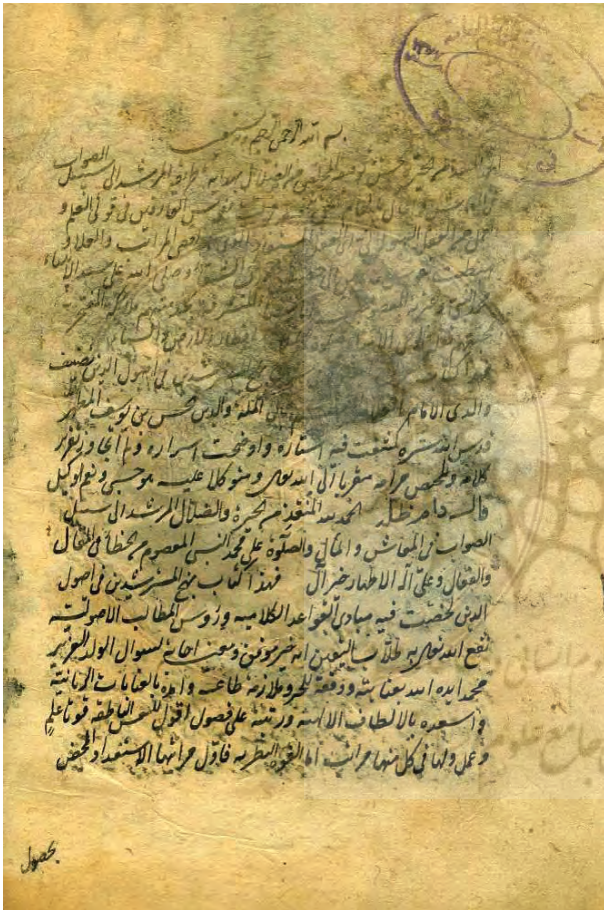


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله المنقذ من اجير بحسن توفيقه المخلص من  
الضلال لهدائه طريقه المرشداً الى سبيل الصواب في  
المعاش والمآل بالهام احو تتحققه فرقة نفوس  
العارفين في قولي العلم والعمل الهولائي  
الى العقل المستفاد الذي هو اقصى مراتب اوج العباد  
وهبطه نفوس اجاهل الى حضيضه وذل السقاء  
وصلى الله على سيد الانبياء محمد النبي وعين المعصوم  
الاصفياء والمشفوقه تحذرتهم ملائكة السماء المعجز  
لمحبتهم نعله الوحي المنأ صلاه نلا اقطار الارض  
والسما **اما بعد** فهذا كتاب معراج اليقين  
في شرح نهج المسترشدين في اصول الدين بصنيف  
والذي الاعام العلامة المعظم جمال الملذ والحق  
الدين الحسن بن يوسف بن المطهر دام ظله له  
انصفت فدر استتار واوضح اشارت ولامت  
اتجاوز نفوس بكلامه وتلخص مراده مقتدر بالي  
الله تعالى ومتوكلا عليه وهو حسي ونعم  
الوكيل **قال** دام ظله الحمد لله المنقذ  
من اجير والضلال المرشداً الى سبيل الصواب في

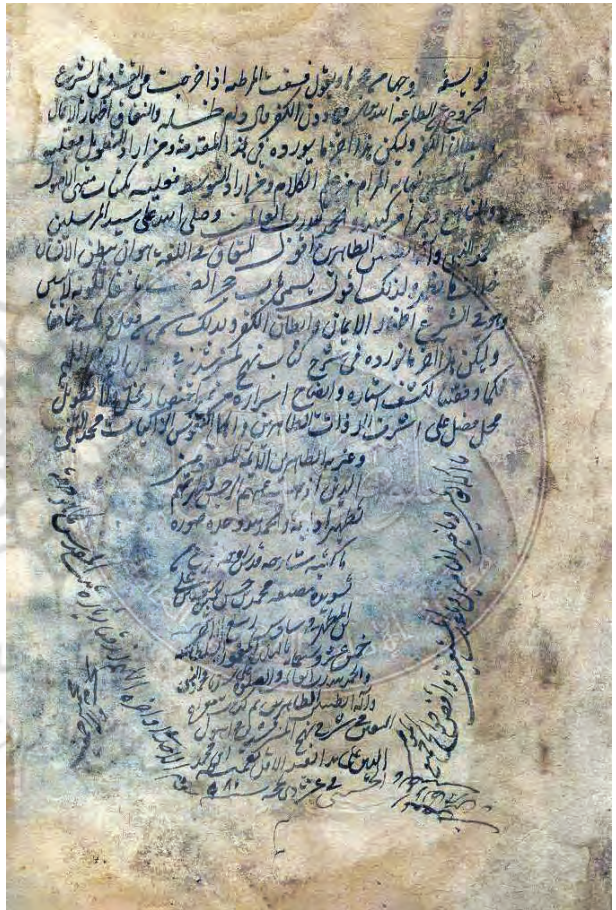




تصوير صفحه آخر نسخه كتابخانه ملي



تصویر صفحه اول نسخه کتابخانه آیت الله حکیم



تصویر صفحه آخر نسخه کتابخانه آیت الله حکیم